

تهدید وزیر دفاع آمریکا علیه جمهوری اسلامی

با تشدید درگیری های درون حکومت، کیهان هوانی

خواهان بازگشت رفسنجانی به «حوزه» شد

● جمعیت های مؤتلفه، ناطق نوری را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی می کنند.

● «خط امامی ها» برای جلب نظر میر حسین موسوی جهت نامزدی ریاست جمهوری تلاش می کنند.

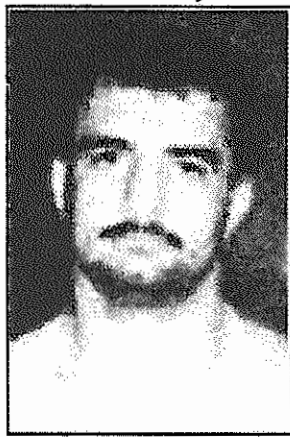
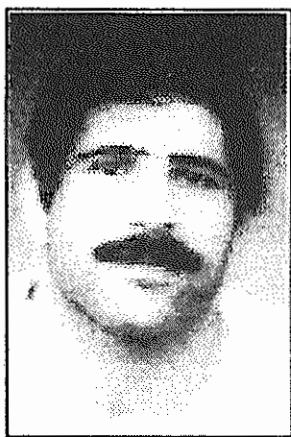
● اختلاف میان شورای نگهبان و هیأت دولت بالا گرفت.

جمهوری اسلامی در این حادثه است. ویلیام پری، وزیر دفاع آمریکا بقیه در صفحه ۳

چهارم تیرماه در عربستان سعودی که به کشته شدن ۱۹ سرباز آمریکایی انجامید، حاکی از دخالت

روز جمعه هفته گذشته مقامات دولت آمریکا اعلام کردند تحقیقات اولیه انجام شده پیرامون بمب گذاری

موفقیت کشتی گیران ایرانی در آتلانتا



روز شنبه ۹ مرداد، انتظارها به پایان رسید و کشتی گیران ایرانی برای مصاف با حریفان وارد میدان شدند. از میان ۹ کشتی گیر ایران رسول خادم، عباس جدیدی و امیر خادم به دور پایانی راه یافتند. رسول خادم با پیروزی بر رقبای خود به مدال طلا دست یافت، عباس جدیدی در وزن ۱۰۰ کیلوگرم نقره گرفت و امیر خادم در وزن ۸۲ کیلوگرم مدال برنز کسب کرد.

جامعه روحانیت مبارز و هیئت های مؤتلفه است، در ادامه سرمقاله خود خصوصیات کاندیدای جناح رسالت را بر شمرده و نوشته است: «پیدا کردن چنین شخصیتی اگر چه خیلی دشوار نیست، اما دقت و هوشیاری را می طلبد که لازم است در مورد شناسایی آن از هم اکنون اقدام شود.» روزنامه کیهان در سرمقاله خود با عنوان «انتخابات آینده» نوشته است: «رئیس جمهور در نظام ما پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. کسی که قرار است در چنین مسندی بنشیند، بی تردید مورد دقت نظر مردم است و جا دارد از هم اکنون حساسیت ها در مورد این رویداد بزرگ برانگیخته شود.» روزنامه رسالت که بیانگر نظرات خامنه ای،

مذاکرات گسترده ای به راه انداخته اند و روزنامه ها که هر یک بیانگر نظرات جناح و یس گروهی از حکومت هستند، در اهمیت انتخابات ریاست جمهوری، معیارها و ملاکها و خصوصیات نامزدها مطالب گوناگونی نوشته اند. روزنامه رسالت در سرمقاله خود تحت عنوان «انتخابات آینده» نوشته است: «رئیس جمهور در نظام ما پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. کسی که قرار است در چنین مسندی بنشیند، بی تردید مورد دقت نظر مردم است و جا دارد از هم اکنون حساسیت ها در مورد این رویداد بزرگ برانگیخته شود.» روزنامه رسالت که بیانگر نظرات خامنه ای،

در پی تشکیل فراکسیونهای «نمایندگان حزب الله»، «مجمع نمایندگان حزب الله» و «اتلاف خط امامی» ها در مجلس شورای اسلامی، درگیری میان آنها حدت یافته است به گونه ای که کیهان هوانی آشکارا از هاشمی رفسنجانی خواسته است که از امور اجرایی کناره گیری کند و به «حوزه» بازگردد. ویژگی این دوره از درگیری ها در آن است که طرفین سازمان یافته تر از دوره های پیشین به میدان آمده اند و گمان نمی رود که یکی از جناحها به سادگی صحنه را به دیگری واگذار کند. در این رویارویی که بر سر کرسی ریاست جمهوری است، سرنوشت رفسنجانی نیز رقم خواهد خورد. فراکسیون ها از هفته ها پیش برای تعیین نامزد ریاست جمهوری بحث و

تهاجم پاسداران رژیم اسلامی به کردستان و پایان افتضاح آمیز آن

و حشیانه شده است. در اعتراض به تهاجم رژیم اسلامی به کردستان، ایرانیان متقیم نروژ و فنلاند به همراه کردهای ساکن این کشور ضمن راهپیمایی و اعتصاب غذا، عمل چایکشاکرانه رژیم اسلامی را محکوم کرده و از حزب دمکرات کردستان ایران و جنبش حق طلبانه خلق کرد دفاع کردند.

بنابر اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران تهاجم گسترده رژیم اسلامی، بر اثر فشار افکار عمومی و مقاومت دلیرانه مبارزین حزب دمکرات کردستان ایران در روز نهم مردادماه پایان یافت. دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در اطلاعیه خود ضمن تقدیر و سپاس فراوان از احزاب و سازمانها و همبستگی افکار عمومی جهانی بویژه مردم کردستان عراق، اعلام داشت که قریب دو هزار تن زن و کودک آورده کرد ایرانی که مسکن آنان ویران گشته و نیازمند یاری برای اسکان مجدد و ترمیم مسکن منهدم شده خویش می باشند.

در روز هفتم مرداد ماه ۲۰۰۰ تن از نیروهای سپاه پاسداران مجهز به انواع سلاحهای سنگین از قبیل توپخانه، کاتیوشا و تانک، با عبور از مرز میوان وارد خاک کردستان عراق گردیدند و بعد از طی ۲۵۰ کیلومتر، حملات سنگین خود را علیه مراکز حزب دمکرات کردستان ایران و اردوگاه آوارگان کرد ایرانی واقع در منطقه کوی سنجاق آغاز نمودند. بر اثر آتش سنگین توپخانه مهاجمین قریب ۳۵۰ خانه مسکونی آوارگان تخریب گردید و یک تن از آنان کشته و تعدادی زخمی شدند. بیمارستان آزادی که با یاری سازمانهای بشر دوست فرانسوی برای رفع احتیاجات درمانی پناهندگان کرد ایرانی برپا گردیده بود بکلی تخریب شد. مهاجمین پس از اعمال جنایتکارانه اقدام به حمله زمینی نمودند و با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان درگیر شدند. بر اثر این حمله، کودکان و سالخوردهگان منطقه در گرمای ۵۰ درجه آورده گوه و صحرا شدند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تهاجم نظامی جمهوری اسلامی به کردستان در صفحه ۳

ناکامی رژیم اسلامی در تسخیر دانشگاهها

دانشگاه و جنبش دانشجویی در مبارزه با تهاجم انصار حزب الله، تصفیه دانشگاهها، حاکم گرداندن افکار تجاعی و در مبارزه برای حقوق صنفی و سیاسی بندریج جایگاه پیشین خود را باز می یابد و به یکی از سنگرهای مقاومت علیه استبداد تبدیل می شود. سنگری که پیشینه ای بس درخشان در مبارزه علیه حکومتگران مستبد دارد.

بعد از یورش انصار حزب الله به سخنرانی دکتر سروش، تعرض به کلاسهای درسی و تعطیل آنها، تدوین طرح تصفیه دانشگاهها، نسبت دادن اتهامات متعدد به استادان اینک نوبت به دستگیری دانشجویان رسیده است. وزارت اطلاعات بدستور سران حکومت قدم جلو گذاشته است تا به دانشجویانی که شعار «مرگ بر فاشیسم» در حمله انصار حزب الله به دانشگاه سر می دادند، ضرب شست نشان دهد و به آنها بفهماند که بعد از این سر و کارشان با ساواما خواهد بود.

سران حکومت از رشد جنبش دانشجویی و تشکل دانشجویان به شدت هراسناک هستند. دانشجویان تنها نیروی متشکل بودند که در مقابل تهاجمات انصار حزب الله ایستادند و نگذاشتند که حزب الله دانشگاهها را همانند خیابانها به صحنه یکه تازی خود تبدیل کند. در مقاومت علیه یورش حزب الله، دانشجویان وابسته به «دفتر تحکیم وحدت» و دیگر دانشجویان در یک صف قرار داشتند.

«دفتر تحکیم وحدت» که متشکل از انجمنهای اسلامی دانشگاهها است، در جریان «انقلاب فرهنگی» و تصفیه گسترده دانشجویان و استادان دگراندیش شکل گرفت. این تشکل ابزار مهمی در دست حکومتگران برای «اسلامی کردن» دانشگاهها بود. بعد از گذشت ۱۵ سال، «سران حکومت در «اسلامی کردن» دانشگاهها و «دولتی کردن» این تشکل ناکام مانده اند اما باز به همان ابزاری که در آن سالها بکار می بردند، توسل جستند. آنها این بار نیز می خواهند استادان دگراندیش را از دانشگاهها بیرون بپرانند، تشکلهای دانشجویی را تضعیف و جنبش دانشجویی در حال نضج را خفه کنند و دانشگاهها را تحت سیطره خود در آورند.

اما دانشگاهها و جنبش دانشجویی علیرغم فشارها و بگیر و ببندها، همواره راه مستقل از قدرت حاکم را پیموده و تحت سلطه آن در نیامده است. اگر در دهه ۶۰ حکومتگران با تصفیه های گسترده و با کمک انجمنهای اسلامی توانستند دانشگاهها را چند سالی به مهار خود در آورند، امروز دیگر قادر به این کار نیستند، دانشگاهها و دانشجویان تاکنون نه تنها در مقابل قدرت سر تسلیم فرود نیاوردند بلکه همواره در نخستین صف مبارزه علیه استبداد حاکم قرار داشتند.

آنچه معلوم است رژیم اسلامی نخواهد توانست دانشگاهها را تسخیر و جنبش پوینده دانشجویی را خفه سازد. دانشگاهها در کشور ما همچنان سنگر مبارزه علیه استبداد حاکم خواهد ماند.

تدابیر کنفرانس پاریس

برای مبارزه با تروریسم

● رهبران اروپا از تصمیمات کنفرانس پاریس خوشنودند

● برای مبارزه با تروریسم یک برنامه ۲۵ ماده ای تصویب شد

● کنترل فرودگاهها و مرزها شدیدتر خواهد شد

هفته گذشته در حالی که گروههای تجسس، غواصان و مأموران امنیتی آمریکا در آبهای ساحلی اقیانوس اطلس در پی یافتن قطعات هواپیمای مسافربری TWA، اجساد مسافران و

بازداشت ۷ دانشجو

هفت تن از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند. آنها عضو انجمن اسلامی این دانشگاه و یکی از آنها عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت است. انجمن اسلامی دانشگاه با صدور بیانیه ای خواستار آزادی دانشجویان شد. دفتر تحکیم وحدت جلسه فوق العاده ای تشکیل داد و تصمیم به پیگیری موضوع از طریق قانونی، و بررسی آن در اردوی سالانه شوراها و انجمنهای اسلامی گرفت. به نوشته روزنامه ها در هفته گذشته ۳ تن از این دانشجویان آزاد شدند.

در این شماره

اصلاحات اقتصادی:

موفقیت چین

و شکست اروپای شرقی

جان راس

صفحه ۶

هدف: نفی ولایت فقیه:

آزادی های سیاسی

مهدی فتاپور

صفحه ۷

نکاتی چند در باره:

برخی مؤلفه های

ایدئولوژیک سیاسی

چپ دمکراتیک ایران

مزدک

صفحه ۸

مردمسالاری روئیدنیست

ونه ساختنی

منوچهر جمالی

صفحه ۹

اینترنت و نظام

ناعادلان جهان

آلن گرش

صفحه ۱۱

یادداشت
اروپا و آمریکا:
هماهنگی یا رویارویی؟

هفته گذشته وزرای خارجه هفت کشور بزرگ صنعتی و روسیه در پاریس گرد آمدند و یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم اعلام کردند. تلاش‌های آمریکا برای وادار کردن متحدان اروپایی‌اش به پیروی از سیاست مزوی کردن کشورهای حامی تروریسم، این بار نیز به جایی نرسید و برنامه ۲۵ ماده‌ای، تنها به نکاتی که مورد اختلاف نرود، محدود گردید.

همزمان با گردهمایی پاریس که ظاهراً نمودی از هماهنگی آمریکا و اروپا در سیاست‌های جهانی بود، اقدامات کنگره آمریکا برای پیشبرد یکجانبه سیاست‌های این کشور در قبال دولت‌های «نامطوب» ادامه یافت. به دنبال تصویب لایحه موسوم به هلمز - برتن که شرکت‌های اروپایی شریک معامله با کوبا را تهدید به مجازات می‌کند، در کنگره آمریکا لویج مشابهی نیز برای «تحریم مضاعف» علیه ایران و لیبی تصویب شده یا در دست تصویب است. این لویج، به تشنج در مناسبات بین آمریکا و اروپا دامن خواهد زد.

صرفنظر از اینکه کدام سیاست در مقابله با تروریسم کارآتر و مؤثرتر است، اختلاف کنونی اروپا و آمریکا حول یک موضوع گرهی در سیاست جهانی متمرکز شده است، و آن این است که ایالات متحده کماکان مانند دوران جنگ سرد، رهبری جهان غرب را بر عهده دارد یا نه؟ یا به عبارت دیگر، جهان دو قطبی به جهانی یک قطبی تبدیل شده است یا چندقطبی؟

پاسخ محافل حاکم آمریکا به این پرسش روشن است و می‌توان آن را در این چند جمله خلاصه کرد: «درست است که در عرصه اقتصادی، علاوه بر آمریکای شمالی، حداقل دو قطب دیگر با توان تقریباً برابر، یعنی اروپای غربی و خاور دور، شکل گرفته‌اند، اما هیچ یک از این دو قطب را در عرصه سیاسی و نظامی، یاری برابری با آمریکا نیست. تنها قدرت سیاسی ایالات متحده که خود متکی بر قدرت نظامی این کشور است، قادر است ثبات و امنیت را در جهان حفظ کند. تجربه بوسنی نشان داد که اروپایی‌ها حتی در حیاط خلوت خود نیز قادر به رتق و فتق یک بحران نیستند و تا زمانی که آمریکا فعالانه به صحنه نیامده بود، نتوانستند آرامش را در بالکان برقرار کنند. اگر کمونیسم از میان رفته است، جای آن را قدرت‌های شیطانی دیگری مانند بنیادگرایی و تروریسم گرفته‌اند که تنها آمریکا توان مهار آنها را دارد.»

بر مبنای همین استدلال است که کنگره آمریکا، یکجانبه قوانینی در تحریم این کشور و آن کشور تصویب می‌کند و انتظار آن دارد که دولت‌های دیگر غربی، بی‌چون و چرا از این قوانین پیروی کنند. در حقیقت، کنگره آمریکا به جای شورای امنیت سازمان ملل نشسته است.

شاید هنگامی که دولت و کنگره آمریکا سرگرم تدارک تحریم‌های یکجانبه و مضاعف اخیر بودند، حدس نمی‌زدند که مقاومت اروپایی‌ها در برابر این اقدامات، تا این حد سرسختانه باشد. پس از تصویب لایحه هلمز - برتن در کنگره آمریکا، نمایندگان اتحادیه اروپا بلافاصله در یک نشست اعلام کردند اگر یک شرکت آمریکایی به قانون هلمز - برتن استناد کرده، با شکایت خود باعث جریمه شدن یک شرکت اروپایی در آمریکا به جرم معامله با کوبا شود، متقابلاً شرکت آمریکایی مزبور در اروپا جریمه خواهد شد. هراس از این چشمانداز جنگ تجاری بود که کلیتون، رئیس جمهور آمریکا را وادار کرد هنگام امضای قانون هلمز - برتن، مقرر دارد که بخش اجرایی قانون، یعنی بخشی که امکان شکایت از شرکت‌های اروپایی فعال در کوبا و جریمه کردن آنها را می‌دهد، فعلاً تا شش ماه معوق گردد (برخی ناظران معتقدند پس از سپری شدن شش ماه، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز سپری خواهد شد و کلیتون، بدون نیاز به آرای کوبایی‌های مهاجر، بار دیگر قانون هلمز - برتن را معوق خواهد کرد). اما پس از معلق شدن شش‌ماهه لایحه مزبور نیز اروپایی‌ها به انتقاد از اقدامات واشنگتن ادامه دادند. نماینده کمیسیون اتحادیه اروپا گفت معلق کردن بخشی از قانون، کافی نیست و باید کل این قانون لغو گردد.

حدود دو ماه پیش، آمریکا در اجلاس سران هفت کشور صنعتی که بلافاصله پس از انفجار مقر سربازان آمریکایی در عربستان برگزار شد، کوشید متحدان اروپایی و ژاپنی خود را متقاعد کند که جمهوری اسلامی و لیبی را به عنوان حامیان تروریسم محکوم کنند. این تلاش آمریکا در اجلاس فرانسه به نتیجه نرسید و تنها توافق شد که در اواخر ماه ژوئیه در پاریس، یک اجلاس وزرای خارجه هفت کشور به اضافه روسیه، صرفاً به مسئله تروریسم بپردازد. در آستانه این اجلاس وزرای خارجه، هوابیمایی مسافربری آمریکایی با ۲۳۰ سرنشین در آسمان نیویورک منفجر شد. دولت آمریکا بار دیگر کوشید از این حادثه برای تأثیر گذاشتن بر تصمیمات اجلاس بهره‌برداری کند. اما در اجلاس مزبور نیز اروپایی‌ها بر این موضع پافشاری کردند که قبل از محکوم کردن این یا آن دولت، باید دلایل محکمه‌پسند مبنی بر دخالت این دولت در تروریسم بین‌المللی ارائه گردد. اروپایی‌ها می‌گویند مبارزه با تروریسم با تحریم چند کشور اسلامی پیش نخواهد رفت و یادآوری می‌کنند که انفجار ساختمان اداری اکلاهاسیتی و نه احتمالاً انفجار پارک المپیک آتلانتا، ربطی به تروریست‌های خاورمیانه نداشته است.

بدون شک مقاومت اروپا به رهبری فرانسه و آلمان در برابر اقدامات یکجانبه آمریکا علیه دولت‌های مظنون به حمایت از تروریسم، زمینه اقتصادی نیز دارد. تردیدی نیست آلمان و فرانسه در سیاست خود در ایران، از منافع تجاری خود نیز دفاع می‌کنند. اما اگر در مورد ایران، منافع تجاری اروپا دفاع از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، کل سیاست متفاوت اروپا و سر باز زدن اروپایی‌ها از تن دادن به اقدامات یکجانبه آمریکا را نمی‌توان تنها تلاش برای حفظ منافع تجاری اروپا ارزیابی کرد. اروپا اکنون می‌کوشد در مواردی مانند تحریم کوبا، سیاست مستقل از آمریکا را پیش برد. سیاست آمریکا برای یک قطبی کردن جهان، علیه منافع سایر ملل است.

اما سیاست اروپا نیز وقتی از حد مقاومت در برابر تحمیل‌های واشنگتن فراتر می‌رود و به طور آشکار، حقوق بشر را قربانی روابط تجاری با جمهوری اسلامی می‌کند، علیه مردم ما است. اروپا تنها به عدم تحریم حکومت اسلامی بسنده نمی‌کند و همدستی با جمهوری اسلامی را به جایی رسانده است که کشورهای اروپایی به جولانگاه تروریست‌های وزارت اطلاعات رژیم اسلامی تبدیل شده‌اند. این مماشات اروپایی‌ها با یک رژیم سرکوبگر و تروریست را باید افشا و محکوم کرد.

با تشدید درگیری‌های درون حاکمیت، کیهان هوایی
خواهان بازگشت رفسنجانی به «حوزه» شد

بقیه از صفحه اول روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای با تأکید بر این که جلب مردم به پای صندوق‌های رای برای نظام مهم‌تر از آن است که چه کسی رئیس جمهور باشد، در مورد علت آغاز زودرس مبارزه انتخاباتی نوشته است: «تردیدی نیست که این تلاش‌ها و فعالیت‌ها نشانه حساسیت موضوع و اهمیت آن است. بنابراین اصل ماجرا را باید مثبت دانست، قطعاً این تلاش همه‌جانبه موجب گرم شدن بازار انتخابات ریاست جمهوری خواهد شد و مردم با علاقه و حساسیت زیاد به پای صندوق‌های رای خواهند آمد و ایسن یک سود بزرگ برای نظام جمهوری اسلامی است.»

روزنامه سلام با اشاره به مقالات مندرج در مطبوعات وابسته به جناح رسالت و سخنان افراد جامعه روحانیت مبارز نوشته است: «پیداست که نامزد ریاست جمهوری مورد نظر و یا بهتر بگوئیم مورد تأیید جناح اکثریت، باید روحانی باشد و نه مکلا و دلیل قاطع و عاقله پسند آن نیز در موضوع ریاست جمهوری بنی صدر در اوایل انقلاب است.»

حال این که چرا به مورد بعدی یعنی انتخاب آقای رجایی اشاره‌ای نشده، حتماً جای سؤال ندرد.

کیهان هوایی: بهتر است رفسنجانی به حوزه بر گردد

کیهان هوایی هفته‌گذشته بلجاچی آشکارا از زبان «گروهی صاحب نظر سیاسی» از هاشمی رفسنجانی خواست از میدان سیاست کنار رود و به «حوزه علمیه» باز گردد. این هفته‌نامه در گزارش کوتاهی تحت عنوان «پیش‌بینی جناح‌های سیاسی نسبت به جایگاه آینده هاشمی رفسنجانی در نظام» ضمن چاپ اظهارات مرتضی الیوسی، علی موحدی ساوچی و اسدالله بادامچیان که رفسنجانی را فردی مناسب برای احراز پست ریاست مجلس ارزیابی کرده‌اند و گفته‌اند وی پس از پایان دوره ریاست جمهوری می‌تواند ریاست مجلس را بر عهده گیرد، نوشته است: «گروهی از صاحب‌نظران سیاسی، ضرورت فراغت حجت‌السلام هاشمی رفسنجانی از مشاغل اجرایی و پرداختن به مسایل نظری و زیربنایی را مورد تأکید قرار می‌دهند.»

یکی از اعضای هیئت تحریریه کیهان هوایی، در پاسخ به سؤال روزنامه سلام که چرا در گزارش، مشخصات و یا حداقل تمایلات جناحی و فکری، گروهی که معتقدند رفسنجانی باید از مشاغل اجرایی کناره‌گیری کند، ذکر نشده است، گفت: «این افراد و صاحب‌نظران سیاسی مایل به مطرح شدن در ارتباط با این مسئله نیستند و به همین دلیل از ذکر نامشان خودداری شده است.»

در اعتراض به نوشته کیهان هوایی علیه هاشمی رفسنجانی، یکی از اعضای بانفوذ حوزه علمیه، محمد جواد حسینی کرمانی، پاسخ تندى در روزنامه اطلاعات بین‌الملل داده است. کرمانی در این نوشته ناطق نوری را مرد کوچکی خوانده است که جمهوری اسلامی می‌خواهد کارهای بزرگ را به او بسپارد.

روزنامه ایران احتمال کناره‌گیری رفسنجانی را «خواب‌های زود هنگام» کسانی خواند که برای خالی کردن زیر پای وی و جلب حمایت وزرای کابینه، به «چند نفری» از آنان ضمانت داده‌اند که «به رسم تقدیر و سپاس» همچنان در دولت آینده خواهند ماند.

ناطق نوری نامزد هیئت‌های مؤتلفه و جامعه روحانیت مبارز

روز سه‌شنبه دوم مرداد گروهی از نمایندگان دوره‌های قبلی و فعلی مجلس شورای اسلامی که با جمعیت

هفته گذشته گروهها و سازمانهای تشکیل‌دهنده «ائتلاف خط امام» طی ملاقاتی با میرحسین موسوی، خواستار موافقت وی برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری آینده شدند. در طرح این درخواست، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمنهای اسلامی علمان و مدرسین دانشگاهها اشترک نظر داشتند. موسوی که هم اکنون به دور از درگیریهای سیاسی، سرگرم راداندازی دانشگاه خمینی است، به درخواست نامزدی ریاست جمهوری پاسخی نداده است.

تنی چند از اعضای هیئت رئیسه «مجمع حزب‌الله مجلس» نیز در دیدار با میرحسین موسوی پیشنهاد نامزدی وی را تکرار کرده‌اند. جناح کارگزاران و ائتلاف خط امام امیدوار به بازگشت موسوی به صحنه سیاست هستند. او در مقایسه با ناطق نوری چه‌چهره شناخته‌شده‌تری است.

غیر از میرحسین موسوی و ناطق نوری، در محافل سیاسی رژیم، حسن حبیبی معاون رفسنجانی، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، حسن روحانی نایب رئیس مجلس، محمدی ری شهری وزیر سابق اطلاعات و امنیت و علی اکبر محتشمی به عنوان نامزد ریاست جمهوری مطرح هستند.

«خط امامی» ها: ما از «کارگزاران» جدا نشده ایم

نمایندگان جناح ائتلاف خط امام که عضو فراکسیون مجمع حزب‌الله مجلس هستند، و در مجلس با نمایندگان گروه کارگزاران و خانه کارگر همکاری دارند، هفته گذشته جلسه جداگانه‌ای تشکیل دادند که اقدام آنان از سوی برخی محافل سیاسی رژیم به عنوان جدایی از مجمع و شکل‌گیری جناح تازه ارزیابی شد. محمد قمی، عضو «ائتلاف خط امام» در گفتگو با روزنامه همشهری ضمن تکذیب تشکیل جناح جدید، اظهار داشت: «در جلسه این گروه در مورد نحوه برگزاری جلسات، چگونگی برخورد با طرحتها و لویج و نحوه ارتباط با نیروهای خط امام در خارج از مجلس بحث و گفتگو شد. نمایندگان ائتلاف خط امام تلاش می‌کنند تا ارتباط مناسبی با انجمنهای اسلامی دانشجویان، مهندسان و... و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برقرار کرده و از نظرات کارشناسی آنها در زمینه‌های مختلف استفاده کنند. وی گفت: ممکن است در ذهن برخی افراد شبه‌های ایجاد شود که نمایندگان ائتلاف خط امام در جهت تقویت کارگزاران و خانه کارگر است و هم اکنون نیز نمایندگان این طیف تحت پوشش «مجمع حزب‌الله» جلساتی دارند و تصمیمات مشترکی می‌گیرند و تا کنون در همه موارد کاندیداهای مشترک و موضع‌گیری‌های سیاسی مشابهی نیز داشته‌اند.»

فائزه هاشمی رای کافی نیامد

یکی از اقدامات مشترک گروه کارگزاران، خانه کارگر و «ائتلاف خط امامی»‌ها در مجلس، گزینش مجید انصاری و فائزه هاشمی برای شرکت در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب بود. بر طبق ماده ۱۰ قانون احزاب، کمیسیونی از نماینده دادستان کل کشور، نماینده شورای عالی قضایی، نماینده وزارت

کشور و دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در وزارت کشور تشکیل می‌شود. کاندیداهای مهم جامعه روحانیت مبارز برای شرکت در این کمیسیون، علی موحدی ساوچی و مهدوی ابهری بودند. به هنگام رای‌گیری در جلسه علنی مجلس، از میان هفت کاندید، مجید انصاری با ۱۰۰ رای موافق و موحدی ساوچی با ۸۹ رای به عنوان نمایندگان اول و دوم مجلس در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب انتخاب شدند و فائزه هاشمی که یکی از دو نامزد مجمع حزب‌الله بود، رای کافی نیامد.

اعمال فشار شورای نگهبان بر هیات دولت

شورای نگهبان قصد دارد برای جلوگیری از پیروزی کاندیدای جناح مقابل در انتخابات ریاست جمهوری، استانداران، فرمانداران شهرهایی را که پنج ماه پیش در جریان انتخابات مجلس پنجم به نفع گروه کارگزاران و «ائتلاف خط امامی»‌ها عمل کردند، برگزیند و به جای آنان کسانی را برگزیند که تا چند ماه آینده زمینه تدارک پیروزی کاندیدای ریاست جمهوری جناح رسالت را فراهم سازند. اعضای هیئت دولت، خاصه گروه کارگزاران با دخالت شورای نگهبان در امور اجرایی به شدت مخالف هستند و معتقدند شورا حق نظارت استصوابی دارد نه دخالت در امور استصوابی است. گروهی که به دولت مربوط است، کشمکش میان شورای نگهبان و هیئت دولت پس از پنج ماه اکنون به جایی رسیده که شورای نگهبان صراحتاً اعلام کرده است. بدون عزل و جابجایی مسئولان بعضی از استانها و شهرها، بسا برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در این مناطق موافقت نخواهد کرد. قرار بود انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در آذر ماه برگزار شود اما به علت مخالفت هیئت وزیران با خواست شورای نگهبان، زمان برگزاری انتخابات به بهمن و اسفند موکول شده است.

در جریان انتخابات مجلس پنجم که پنج ماه پیش برگزار شد، انتخابات اصفهان، ناین، نجف‌آباد، آستارا، ملایر، ایلام و... از سوی شورای نگهبان باطل شد. اکنون بیش از ۲۰ کرسی مجلس خالی است و نمایندگان انتخاب نشده هیئت‌های مؤتلفه امیدوارند با حمایت شورای نگهبان کرسی‌های خالی را پر کنند. یکی از مناطقی که شورای نگهبان بر تغییر استاندار آن انگشت گذاشته، استان اصفهان است. بنا به نوشته روزنامه سلام، شورای نگهبان معتقد است تا زمانی که جهانگیری استاندار اصفهان بر سر کار است، اجازه برگزاری انتخابات را در این استان نخواهد داد و اگر این استاندار از سمت خود استعفا ندهد یا عزل نشود، انتخابات میان‌دوره‌ای حوزه اصفهان تا زمان انتخابات ریاست جمهوری برگزار نخواهد شد.

هفته گذشته خاتمه‌ای و شورای نگهبان هیئت دولت را وادار کردند علیرغم میل خود با برکناری مفیدی، استاندار خراسان موافقت کنند و عبدالله کویایی را جایگزین وی سازند. مفیدی دو ماه پیش به دستور وزیر کشور که از جانب خاتمه‌ای حمایت می‌شود، از سمت استانداری خراسان عزل شد.

مهر داد کلانی اعدام شد

کاپیتورن نوشته بود خبر محکومیت خود و تعدادی از زندانیان دیگر را اطلاع داده بود. جمهوری اسلامی علیرغم اعتراضات وسیع، او را به جوخه اعدام سپرد. کلانی هنگام اعدام ۳۵ سال داشت.

مهرداد کلانی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران پس از سالها زندان و تحمل شکنجه روز سه‌شنبه دوم مرداد در تهران به دست دژخیمان رژیم اعدام شد. دادگاهی که وی را به اعدام محکوم کرد بیشتر از ۲۰ دقیقه طول نکشید. وی در نامه‌ای که به

میرحسین موسوی کاندیدای خط امام

گزارش جلسات «مجمع نمایندگان حزب‌الله» حکایت از آن دارد که کارگزاران و نمایندگان «ائتلاف خط امامی‌ها» هنوز نتوانسته‌اند در مورد فرد معینی که از حمایت کامل گروه‌های مجمع برخوردار باشد، به توافق برسند. اگرچه به هنگام انتخاب هیئت رئیسه مجلس پنجم از عبدالله نوری پشتیبانی کردند، اما در مورد نامزدی وی برای ریاست جمهوری تردید دارند.

نوشته روزنامه سلام دلالت بر آن دارد که «ائتلاف گروه‌های خط امام» قصد دارند میر حسین موسوی، نخست وزیر سابق، را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کنند.

تشکیل فراکسیون آذری‌ها در مجلس شورای اسلامی

روز سه‌شنبه دوم مرداد ۲۳ تن از نمایندگان آذری استانهای آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان در مجلس شورای اسلامی گرد هم آمدند و پس از گفتگوی طولانی تصمیم گرفتند فراکسیونی به نام «مجمع نمایندگان آذری» تشکیل دهند. ریاست این فراکسیون را حجت‌الاسلام حمید باقری بنایی بر عهده دارد.

بنایی در گفتگو با مطبوعات در مورد هدف نمایندگان از تشکیل فراکسیون، گفت: مجمع مزبور تنها با هدف هماهنگی در کارها، وحدت و انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و احقاق حقوق استانهای مذکور به طور مساوی

روز سه‌شنبه دوم مرداد ۲۳ تن از نمایندگان آذری استانهای آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان در مجلس شورای اسلامی گرد هم آمدند و پس از گفتگوی طولانی تصمیم گرفتند فراکسیونی به نام «مجمع نمایندگان آذری» تشکیل دهند. ریاست این فراکسیون را حجت‌الاسلام حمید باقری بنایی بر عهده دارد.

بنایی در گفتگو با مطبوعات در مورد هدف نمایندگان از تشکیل فراکسیون، گفت: مجمع مزبور تنها با هدف هماهنگی در کارها، وحدت و انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و احقاق حقوق استانهای مذکور به طور مساوی

تشکیل دهنده این فراکسیون، از انگیزه‌های سالم برخوردار بوده و تنها به منظور جلب امکانات عمرانی برای استانهای مورد اشاره دست به تشکیل این فراکسیون زده‌اند. اما، انگیزه سالم این نمایندگان و توضیحات آنان از آثار سوء این اقدام و ناهمواری آن با ارزش‌های دینی و ملی نمی‌گردد. چراکه اولاً علیرغم توضیحات آقای باقری بنایی، عنوان «مجمع آذری» حکایت از دسته‌بندی جدیدی بر اساس «زبان آذری» دارد و اگر چنین نیست، تاکید بر «نمایندگان آذری» برای چیست؟

ثانیاً، اگر «قومیت و زبان آذری» ملاک نبوده است، چرا به عنوان مثال، این فراکسیون با شرکت نمایندگان استانهای گیلان و آذربایجان و کردستان تشکیل نشده است؟ مخصوصاً آنکه، استانهای اخیر، از نظر موقعیت جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های کشوری که مورد اشاره آقای باقری

بنایی است - با یکدیگر مشابهت بیشتری دارند... در عین حال گزارش‌های رسیده حاکی از آنست که تعدادی از دانشجویان در تبریز در ارتباط با چهرگانی دستگیر شده‌اند. کیهان هوایی یکماه پیش در رابطه با ناآرامی‌ها در تبریز در ستونی زیر عنوان «نامه‌های وارده»، نامه‌ای با امضای «جمعی از دانشجویان بسیجی دانشگاههای تبریز» را چاپ کرد که در آن نوشته شده بود محمود چهرگانی قصد دارد به اختلاف قومی در تبریز دامن بزند. چهرگانی یکی از نامزدهای نمایندگی مجلس پنجم بود که یک روز پیش از رای‌گیری تحت فشار شورای نگهبان و مأموران اطلاعات و امنیت وادار به انصراف شد و در پی آن درگیری شدیدی میان طرفداران وی و سایر کاندیداهای مورد حمایت جناح اکثریت روی داد که به زخمی شدن چند تن منجر شد.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تهاجم نظامی وسیع جمهوری اسلامی به خاک عراق برای سرکوب حزب دمکرات کردستان ایران و آوارگان کرد

بنا بر اطلاعیه مطبوعاتی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران سرگروه روز هفتم مرداد ماه (۲۸ ژوئن) نیرویی مرکب از قریب دو هزار پاسدار با توپخانه سنگین و تانک مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان را مورد حمله قرار داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که از روز پنجم مرداد نیروی چند هزار نفری سپاه پاسداران مجهز به توپخانه و تانک از مرز مریان وارد خاک عراق شده و در نزدیکی سلیمانیه مستقر شده‌اند. سپس این نیروها به سمت منطقه کوی، محل استقرار دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران تغییر مسیر داده و برای محاصره آن تلاش کرده‌اند. پاسداران جمهوری اسلامی اردوگاه آوارگان کرد ایرانی در این منطقه و دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان را به زیر آتش توپخانه سنگین گرفته‌اند. گفته می‌شود بر اثر این حملات ۳۵ خانه تخریب گردیده و ساکنین آنها آواره شده‌اند. بیمارستان آزادی به کلی ویران شده است. حزب دمکرات کردستان ایران برای متوقف کردن این حملات از مجامع بین‌المللی و سازمانهای سیاسی کشور استمداد جسته است.

حمله به مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران که بنا به شواهد، برنامه از آن مدتی پیش توسط مسئولین جمهوری اسلامی تدارک دیده شده بود، از کینه بهیمی رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای آزادیخواه کشور و تداوم سرکوب خواسته‌های دمکراتیک مردم کردستان است.

حمله نظامی به خاک عراقی چه با توافق ضمنی رژیم این کشور و چه بدون آن صورت گرفته باشد، نقض آشکار و خشن قوانین و مناسبات عادی بین‌المللی است. این تشنج آفرینی‌ها برای کشور ما همیشه همراه با آثار مخرب بوده است.

ما تهاجم وسیع نظامی رژیم جمهوری اسلامی به اردوگاه پناهندگان ایرانی در خاک عراق و مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم و به سهم خود می‌کوشیم صدای اعتراض سازمانهای ملی، مجامع بین‌المللی و دولت‌ها علیه سرکوبگری و تجاوز نظامی جمهوری اسلامی را رساتر سازیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۸ مرداد ماه ۱۳۷۵

تهدید وزیر دفاع آمریکا علیه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

گفت اگر دخالت جمهوری اسلامی در این بمب‌گذاری ثابت شود، آمریکا دست به اقدام تلافی‌جویانه خواهد زد. پری گفت ایران در مظان اتهام دست داشتن در بمب‌گذاری ماه گذشته است. وزیر دفاع آمریکا در یک مصاحبه رادیویی افزود در صورت اثبات بین‌المللی بودن توطئه بمب‌گذاری، آمریکا به سختی تلافی خواهد کرد. پری همچنین گفت انگلیس و فرانسه در جریان مقاصد آمریکا در ارتباط با این موضوع قرار گرفته‌اند، اما از دادن توضیحات بیشتر خودداری کرد. پری گفت انتظار دارد مقامات سعودی تأیید کنند که یک کشور خارجی در بمب‌گذاری دخالت داشته است. وی گفت به زودی نتایج تحقیقات اعلام خواهد شد. پری ضمن تأیید این احتمال که پای جمهوری اسلامی به میان کشیده شود، خاطر نشان کرد: «ما می‌دانیم که ایران در تروریسم بین‌المللی بسیار فعال است و برخی از اقدامات آن علیه ایالات متحده است. این امر، سری نیست، خودشان آن را بارها اعلام کرده‌اند. ایران در هر اقدام تروریستی علیه آمریکا، مظنون درجه اول است.»

به گزارش رسانه‌های آمریکایی، تحقیقات در مورد بمب‌گذاری، توسط مقامات عربستان انجام می‌گیرد. با اینکه مقامات آمریکایی رسماً می‌گویند تحقیقات هنوز به پایان نرسیده است، اما شبکه تلویزیونی ان.بی.سی. آمریکا از قول منابعی در وزارت دادگستری این کشور گزارش داد در پای بمب‌گذاران، به ایران می‌رسد. این گزارش می‌افزاید مطالعه بر روی قطعات بمب منفجر شده در عربستان، نشان می‌دهد که منشأ این بمب، دره بقاع لبنان است. در این منطقه، جمهوری اسلامی اردوگاهی برای آموزش نیروهای حزب‌الله لبنان و سایر بنیادگرایان برپا کرده است.

بقیه از صفحه اول

سنگین واحدهای خود را فروخته‌اند. فرش فروشان تهران در وضع به رکود شدید صادرات فرش و وضع مالیاتهای جدید، با خاموش کردن چراغهای جهره‌ها فعالیتهای خود را متوقف کردند. فرش فروشان خواستار تعیین ضوابط مشخص و مطمئنی برای تعیین مالیات خود شدند. آنها تهدید کرده‌اند که اگر وزارت دارایی به شکایات آنها ترتیب اثر ندهد، همه فرش فروشان ضمن بستن سراهای خود، از دادن مالیات خودداری خواهند کرد. بگفته رئیس امور صنفی توزیع و خدماتی تهران تعدادی از فرش فروشان بخاطر رکود فعلی و مالیاتهای

بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

اعتراض فرش فروشان به وضع مالیاتهای جدید



بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

سه نفر به اتهام جاسوسی اعدام شدند.

جوخه‌های اعدام جمهوری اسلامی همچنان مرگ می‌آفرینند. در دو هفته گذشته بیش از ۱۵ نفر که از مدتها پیش زندانی بودند، اعدام شدند. روز چهارشنبه سوم مرداد رای نهایی دادگاه انقلاب اسلامی در باره اعضای یک شبکه ۷ نفره که به ادعای جمهوری اسلامی به اتهام «تروریسم اقتصادی» و «جاسوسی در زمان جنگ برای بیگانگان» دستگیر و محاکمه شده بودند، صادر شد.

بر اساس رای دادگاه انقلاب اسلامی، هدایت‌اله زنده‌دل، ابوالقاسم مجد آبگاهی و عبدالرضا یزدان منش افسر بازنشسته نیروی هوایی به جرم تشکیل شبکه فساد مالی، مشارکت در اختلاس، اخذ وامهای کلان از بانکها، تأسیس شرکت‌های تقلبی، مشارکت در خارج کردن غیرقانونی افراد از مرزها، انتقال اطلاعات محرمانه نظامی به بیگانگان، به ۱۷۰ ضربه شلاق و اعدام محکوم شدند.

سایر متهمان که به جرم همکاری با این افراد دستگیر شده بودند به ۷ تا ۲۳ سال زندان محکوم گردیدند. بنا به اظهارات رهبر پری رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی، علی صدقیان افسر پیشین گارد شاهنشاهی به جرم

عضویت در شبکه معروف به زنده‌دل، فروش اطلاعات و اخبار جنگ به بیگانگان و ارتباط نامشروع، جعل اسناد دولتی، تشکیل جلسات لبرو و لعب به پرداخت خسارت، ۲۳ سال حبس و ۲۰ ضربه شلاق محکوم شد. متهم ردیف پنجم عبدالغفور سرتیپی به جرم شرکت در سر استفاده‌های اقتصادی، همکاری با سلطنت‌طلبان، دریافت وامهای کلان غیر قانونی در زمان رژیم سابق و اجرای طرحهای خارج از مناقصه به ۷ سال زندان محکوم شد.

متهم ردیف ششم فریدون ابویضا به جرم شرکت در شبکه اختلاس، ارتشا، کلاهبرداری و فساد مالی، مشارکت در انتقال اطلاعات سری نظامی و جعل اسناد به ۱۰ سال زندان محکوم شد. ۳۰ ضربه شلاق به دلیل شرب خمر محکوم شد.

این عده ۸ سال پیش دستگیر شده بودند و محاکمه آنان از یک بهمن ماه گذشته آغاز شده بود. محاکمات در جریان سفر کاپیتورن برگزار گردید، اما جمهوری اسلامی آگاهانه صدور رای نهایی را به تعویق انداخت تا این احکام در گزارش نماینده حقوق بشر سازمان ملل منعکس نشود.

تدابیر کنفرانس پاریس برای مبارزه با تروریسم

بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

بقیه از صفحه اول

شده بازتاب یافت. وزیر خارجه فرانسه «هرود د شارت» در پایان کنفرانس به خبرنگاران گفت جانبداری از گفتگوی انتقادی به معنی حمایت از سیاست جمهوری اسلامی نیست. در کنفرانس یک برنامه ۲۵ ماده‌ای برای مبارزه با تروریسم تصویب شد. بخشی از این تدابیر به تأمین امنیت داخلی کشورها مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات و همکاریهای اطلاعاتی و امنیتی کشورها با یکدیگر اختصاص دارد. کنفرانس تصمیم گرفت در آینده کنترل امنیتی در فرودگاهها و مرزهای زمینی و دریایی با استفاده از دستگاههای مدرن شدیدتر شود. راه‌های تأمین مالی و لجستیکی تروریسم کشف و نابود گردد. کنترل بر شبکه جهانی «انترنت» که تروریست‌ها برای ارتباطات و ارسال پیامهای خود از آن بهره می‌گیرند، با پیگیری دنبال شود و شرایطی فراهم گردد که مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشورها در مبارزه

تروهای رژیم به دستور رفسنجانی اجرا می‌شوند

نشریه بین‌المللی جروسالم پست در یکی از شماره‌های اخیر خود گزارش میسوطی را درباره‌ی عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و مراحل مربوط به تصمیم‌گیری و اجرای آن را درج کرده است. این نشریه براساس گزارش‌های گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان و مؤسسه‌ی سیاست‌های خاور نزدیک واشنگتن می‌نویسد که مراحل سازمان یافته و دقیقی برای اجرای طرح‌های ترور، نحوه و روش اجرای آن وجود دارد و واحد ویژه‌ی مسئول انجام مطالعات و بررسی‌های اولیه در زمینه‌ی هر یک از ترورها می‌باشد. پس از اتخاذ تصمیم اولیه، برنامه‌های اجرایی بررسی می‌شود و نهایتاً نیز تدارکات

جانبی از قبیل تهیه‌ی وسایل و ابزار کار و سلاح و پول نقد مورد نیاز و موارد مشابه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به موجب دستورالعمل موجود، کلیه‌ی طرح‌های پیشنهادی درباره‌ی حمله‌های تروریستی باید به تأیید شخص رفسنجانی برسد و دستور آن از طرف وی صادر شود. پیشنهادهایی که مورد تأیید رفسنجانی قرار گرفته باشد، به واحد اداری ویژه‌ی که به ابتکار وی در دفترش تشکیل شده است فرستاده می‌شود. وظیفه‌ی این واحد ویژه، ایجاد هماهنگی در انجام طرح‌های ترور می‌باشد که سرپرستی آن را احمد بهبهانی از بستگان رفسنجانی به عهده دارد. وی پس از تصویب طرح ترور

تصمیم می‌گیرد که کدام یک از سازمان‌ها کدام قسمت از کار را باید انجام دهند. اجرای طرح‌های ترور یک‌بار بطور آزمایشی توسط مأموران وزارت اطلاعات و امنیت رژیم صورت می‌پذیرد. چنانچه طرح مربوطه از این مرحله نیز بگذرد آنگاه برای اخذ تصمیم نهایی و صدور دستور اجرا به شورای ۱۵ نفره امنیت ملی که رفسنجانی رئیس آن است ارجاع می‌شود و پس از تصویب شورای امنیت ملی، بهبهانی تصمیم می‌گیرد که کدام یک از سه سازمان مسئول ترور یعنی وزارت اطلاعات و امنیت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «نیروی قدس» عامل اجرای طرح باشند. مسئول واحد اجرایی که طرح به

خبرهای کوتاه

اعتصاب کارکنان شرکت واحد

به گزارش حزب ملت ایران اعتصاب کارکنان شرکت واحد در ورامین که از چندی پیش آغاز شده است، به رغم اعمال فشار نیروهای انتظامی و اعمال سرکوبگرانه‌ی آنان که به زخمی شدن شماری از اعتصاب‌کنندگان انجامیده است، همچنان ادامه دارد. بر اساس این گزارش، از زمان اعتصاب کارکنان شرکت واحد، رفت و آمد مردم این بخش کشورمان که به خاطر درآمد کم عمدتاً از وسائل رفت و آمد عمومی استفاده می‌کنند، با سختی بسیار همراه است.

آغاز کار شرکت توتال در جزیره‌ی سیری

به نوشته‌ی هفته‌نامه‌ی اقتصادی مید چاپ لندن شرکت فرانسوی توتال با حفاری چندین حلقه چاه، کار خود را بر روی پروژه‌ی نفتی سیری شروع کرده است. توتال امیدوار است که با اجرای قرارداد خرید متقابل که بین این شرکت و شرکت ملی نفت ایران در سال پیش امضا شده است، بتواند با ۶۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری تا ۲ سال دیگر حداقل ۱۲۰ هزار بشکه از دو میدان موضوع قرارداد، نفت استخراج کند.

تعیین هیئت رئیسه شورای نگهبان

در انتخابات هیئت رئیسه‌ی شورای نگهبان که در اوایل ماه جاری برگزار شد، احمد جنتی بار دیگر به اتفاق آراء دبیر این شورا شد. امامی کاشانی یکی از «فقهای» دیگر شورای نگهبان به عنوان سخن‌گو و احمد علی‌زاده یکی از اعضای «حقوق دانان» این شورای ۱۲ نفره به سمت قائم‌مقامی دبیر شورای نگهبان برگزیده شدند.

قند و شکر در مازندران نایاب شد

از مدتی پیش قند و شکر در استان مازندران یافت نمی‌شود. محسن نبیری مدیر کل قند و شکر این استان دلیل کمیابی را تقاضای زیاد قنادی‌ها و بستنی‌سازان برای خرید این کالای اساسی از کانال غیررسمی ذکر کرد. نبیری گفت: ماهانه ۱۰ هزار تن قند و شکر در مازندران توزیع می‌شود و به این ترتیب مصرف سرانه ۱/۵ تا ۲ کیلوگرم است که این رقم نسبت به سرانه‌ی کشور بیشتر می‌باشد.

پیروزی در المپیا جهانی شیمی

تیم دانش‌آموزان ایرانی در بیست و هشتمین المپیا جهانی که در اوایل ماه جاری در شهر مسکو برگزار شد با به‌دست آوردن ۳ مدال طلا و یک مدال نقره به قهرمانی جهان رسید. دانش‌آموزان ممتاز ایرانی از میان ۱۷۶ دانش‌آموز برگزیده از ۴۵ کشور جهان قهرمانی المپیا را از آن خود کردند و چین و روسیه دوم و سوم شدند. دانش‌آموزان ایران در گذشته نیز به مقام قهرمانی جهان دست یافته بودند.

نتایج وساطت سوریه بین ایران و بحرین

به دنبال اعلام آمادگی حکومت سوریه برای میانجی‌گری میان رژیم‌های ایران و بحرین، فاروق‌الشرع وزیر خارجه‌ی این کشور سفرهایی به ایران و بحرین انجام داد. وی در این مرحله موفق شده است که مقامات رژیم‌های ایران و بحرین را متقاعد سازد که در وسایل ارتباط جمعی دولتی از تبلیغات منفی علیه یکدیگر پرهیز کنند و مشکلات فی‌مابین را در دیدار قریب‌الوقوع میان وزیران خارجه‌ی دو کشور بررسی نمایند.

تقاضا برای توقف توزیع برنج وارداتی

گروهی از نمایندگان استان مازندران در مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ی به رفسنجانی خواهان عدم توزیع برنج وارداتی در فصل برداشت و صادرات برنج مرغوب این استان شدند. در این نامه از تصمیم‌گیری‌های ناپایدار و سیاست‌گذاری‌های متغیر در مورد صادرات و واردات برنج که منجر به بالا رفتن هزینه‌های تولید گردیده، انتقاد شده است.

سیگار خارجی قاچاق محسوب می‌شود

شرکت دخانیات ایران با انتشار اطلاعیه‌ی اعلام کرد که براساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، واردات هر نوع سیگار از خارج از کشور ممنوع گردیده است و از این‌رو عرضه، توزیع و فروش انواع سیگارهای خارجی در هر نقطه از کشور و توسط هر کس قاچاق به حساب می‌آید و مأموران مبارزه با قاچاق با متخلفان برخورد قانونی خواهند کرد.

اتلاف گسترده منابع آب شهری

مهندس شتار محمودی معاون نظارت بر امور بهره‌برداری شرکت مهندسی آب و فاضل آب کشور چندی پیش اعلام کرد که سالانه ۹۰۰ میلیون متر مکعب آب شهری که بخش قابل توجهی از تولیدات آب شهری کشور است، به دلیل فرسودگی شبکه‌های آب‌رسانی هدر می‌شود. وی با اعلام اینکه طول خطوط شبکه و لوله‌های آب‌رسانی شهری کشور ۶۳ هزار کیلومتر می‌باشد، اظهار داشت که بازسازی سالانه ۱۵ درصد از این خطوط با اعتبارات کنونی دست کم به ۱۰ تا ۱۵ سال زمان نیاز دارد.

کمک سازمان ملل به پناهجویان ساکن ایران

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان برای کمک به ۲/۵ میلیون پناهجوی ساکن ایران در سال ۹۷، مبلغ ۲۵ میلیون دلار اختصاص داد. ۵۰ درصد این مبلغ صرف اجرای طرح بازگشت پناهندگان افغان به کشورشان خواهد شد.

تشکیل مجمع حزب‌الله کرج

مجمع حزب‌الله کرج با تشکیل جلسه و انتشار بیانیه‌ی فعالیت خود را آغاز کرد. گردانندگان این مجمع هدف از تشکیل آن را احیای تفکر بسیجی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه و جلوگیری از مبانی انحراف ذکر کرده‌اند. در بیانیه‌ی افتتاحیه‌ی مجمع، از تقویت مواضع منسجم پیروان ولایت مطلقه‌ی فقیه، ایجاد و گسترش جو معنویت بین برادران حزب‌الله، موضع‌گیری قاطع و وسیع در مقابل

«سؤال» از بهشتی وزیر کشور رژیم

وی همچنین گفت که وزیر کشور موظف است پس از پایان تعطیلات تابستانی مجلس در هفته‌ی اول شهریور ماه در مجلس حاضر شود و در مورد برکناری استاندار خراسان توضیح دهد. از سوی دیگر موحدی ساوجی نماینده‌ی تهران از جامعه‌ی روحانیت مبارز و عضو هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی توضیح بهشتی را قانع کننده و برکناری استانداران را از اختیارات قانونی وزارت کشور دانست.

گفتگوی تلفنی با خارج گران تر شد

امارات	۱۹۱۸ ریال	شرکت مخابرات بار دیگر نرخ مکالمه‌ی تلفنی از ایران به دیگر کشورهای جهان را به مقدار قابل ملاحظه‌ی افزایش داد. برای نمونه نرخ جدید برای هر دقیقه مکالمه با کشورهای زیر به این شرح است:	
ارمنستان	۲۸۲۸ ریال	ترکیه	۱۴۲۱ ریال
آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان	۲۸۲۲ ریال	آلمان، بلغارستان، سوئیس و فرانسه	۲۶۱۰ ریال
عربستان سعودی	۳۱۹۷ ریال	اسپانیا، سوئد و فنلاند	۲۸۲۸ ریال
هندوستان	۳۵۵۳ ریال	روسیه و ایتالیا	۲۸۴۲ ریال
ژاپن	۵۵۴۶ ریال	انگلستان	۳۱۹۸ ریال
سوریه	۶۳۹۵ ریال	اتریش	۳۲۶۳ ریال
لیبی	۱۰۶۲ ریال	بلژیک، چک، دانمارک، روسیه سفید، رومانی، قبرس، نروژ، هلند و یونان	۴۲۶۳ ریال
سودان	۲۱۳۲ ریال	پاکستان	۱۴۲۱ ریال
استرالیا	۳۱۹۷ ریال	کویت	۱۷۷۶ ریال
ایالات متحده	۴۵۰۰ ریال		
کانادا	۴۸۳۲ ریال		

نگرانی تازه حجتی کرمانی

محمدجواد حجتی کرمانی از روحانیان شناخته شده در دستگاه حاکمه‌ی جمهوری اسلامی که با جناح موسوم به کارگزاران سازندگی نزدیکی بیشتری دارد و پس از رونمایی اطلاعات همکاری می‌کند، در یادداشت سیاسی هفته‌ی گذشته خود در این روزنامه نسبت به کوشش‌هایی که برای کنار گذاشتن هاشمی رفسنجانی از کارهای اجرایی پس از پایان دو دوره ریاست جمهوری صورت می‌پذیرد، عکس‌العمل نشان داد. وی می‌نویسد: در روزنامه‌ی سلام به نقل از یکپیمان هوائی خواندم که «گروهی صاحب‌نظر سیاسی» که مایل به مطرح شدن و بردن نامشان نیستند اظهار عقیده کرده‌اند (یا بگو اظهار «لحیه» فرموده‌اند!) که آقای هاشمی از

عدم توافق ۷ کشور صنعتی در تحریم رژیم

نمایندگان هفت کشور صنعتی که هفته‌ی گذشته در اجلاس مبارزه با تروریسم در پاریس گرد هم آمدند، به‌رغم رسیدن به توافق‌هایی در جهت ایجاد هم‌انگهی بیشتر در مبارزه با تروریسم، در ارتباط با پاره‌ئی از اختلافات از جمله تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی به توافق نرسیدند. در اجلاس مذکور فرانسوی‌ها

بیان اختلاس‌های بانک ملی

میلیون ریال	سال ۱۳۷۱ - تعداد اختلاس ۵۴ مورد - مبلغ اختلاس یک میلیون ریال
میلیون ریال	سال ۱۳۷۲ - تعداد اختلاس ۵۰ مورد - مبلغ اختلاس ۷ میلیون و ۱۷۴ هزار و ۶۹۵ دلار
میلیون ریال	سال ۱۳۷۳ - تعداد اختلاس ۴۷ مورد - مبلغ اختلاس ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال
میلیون ریال	سال ۱۳۷۴ (هشت‌ماهه اول) - تعداد اختلاس ۱۶ مورد - مبلغ اختلاس ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال
میلیون ریال	جمع کل = جمع تعداد کل اختلاس‌ها ۲۴۱ مورد - جمع مبلغ اختلاس شده ۳۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال

تقاضای تجدید نظر در حکم دادگاه

عطاءالله مهاجرانی معاون رفسنجانی و مدیر مسئول هفته‌نامه‌ی بهمن که از سوی دادگاه عمومی تهران به پرداخت ۵۰ هزار تومان جریمه‌ی نقدی و یکسال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی محکوم شده است، نسبت به حکم صادره اعتراض کرده، خواستار تجدید نظر در آن گردید. وی به اتهام «تشویش اذهان عمومی» و «ایجاد اختلاف مابین اقشار

نظر سنجی درباره‌ی عملکرد دولت

علی‌اکبر اشعری معاون وزارت فرهنگ و ارشاد رژیم اعلام کرد که در هفته‌ی اول شهریورماه یک نظر سنجی در سطح کشور انجام خواهد شد تا نظرات مردم در مورد عملکرد دولت مورد ارزیابی قرار گیرد. به گفته‌ی

روشنفکران از دید مسئول بنیاد فارابی

رئیس بنیاد سینمایی فارابی در گفتاری که متن آن در روزنامه‌ی ایران درج شده است در مورد روشنفکران کشور چنین اظهار نظر کرده است: جریان روشنفکری در ایران دارای دو چهره‌ی چپ و راست است که چهره‌ی راست آن در پوشش مذهب برای جامعه‌ی ما شناخته نشده است. به اعتقاد وی این گروه از روشنفکران با درک ویژه‌ی خود از

«مردمسالاری روئیدنیست و نه ساختنی»

منوچهر جمالی

«اخلاق آخوندی - مؤبدی» به خود شکل گرفته است. و اینکه اخلاق جوانمردی هم در قابوسنامه و هم در بستان سجدی؛ محور تفکرات اخلاقیست؛ دلیل بر آنست که ما سنت اخلاقی نیرومند غیردینی برای گسترده شدن و ناب کردن آن داریم.

دموکراسی در ژرف آن، تلاش برای واقعیت بخشیدن به یک ایده‌آل اخلاقیست و آن شیوه واحد رفتار هر انسانی با همه انسانها و شیوه رفتار واحد حکومت با همه انسانهاست. و ایده‌آل هواره هم از این کشورها در جنبش میروید و هم بر ضد واقعیت است. این رابطه پارادوکسی ایده‌آل با واقعیت همیشه باقی میماند؛ ولو ما فقط به یک رویه از آن نظر بیفکیم. ایده‌آل میتوانند در «رویش به هنگام» از واقعیت، احساس ضدیتش را با واقعیت بکشد. چنانچه ایده‌آل دموکراسی در انگلستان و آمریکا از جنبش خاصی در مسیحیت میروید. دموکراسی در این کشورها در جنبش مذهبی پورتیانا به خود شکل گرفت. و شیوه رفتار خصمانه و شدید با دین پیدا نکرد. ولی از سوی دیگر؛ اگر ایده‌آل از تحول رویشی از درون واقعیت به وجود نیاید، به شکل ایده‌آل متضاد با دین یا حتما متضاد با واقعیت تاریخی و خود تاریخ، پیدایش می‌یابد. و این نوع دموکراسیها، دموکراسیهای انقلابی هستند. این دموکراسیها بر شیوه اخلاقی که از دین فراروییده‌اند؛ استوار نیستند، بلکه بر اصول عقلی و تصمیم گرفتن بنیاد شده‌اند. عقل مستقل انسانی و تصمیم گیری مستقل انسانی؛ نظام سیاسی-حقوقی-اقتصادی دموکراسی را بنیاد میگذارند و اخلاق نیز باید از این پس بر بنیاد همین مفاهیم و اصول اخلاقی و تصمیم گیری انسان، ساخته و پرداخته شود. در واقع، در آغاز، نظام سیاسی و حقوقی بی اخلاق است؛ بدان معنی که از اخلاق حاکم پیشین دست کشیده است ولی هنوز از مفاهیم و اصول عقلی؛ اخلاقی وجود نیامده است.

از این پس، عقل است که باید اخلاقی تازه بیافریند و تصمیم گیری انسانها با همدیگر (قرارداد و یا پیمان) باید به اخلاقی که از اصول عقلی استنتاج شده‌اند، اعتبار اجتماعی بدهد تا همه مردم به آن احترام بگذارند. اعتبار چنین اخلاقی، تاریخی نیست و ریشه در عادات و تحولات تدریجی روانی ندارد؛ بلکه بدون تاریخ و حتا بر ضد تاریخ است. عقل هر کسی باید اعتبار این ایده‌آل را تصویب کند. این شیوه رفتار انسانها با همدیگر که از عقل استنتاج میشود؛ موقعی تزد همه معیار خواهد بود که همه با هم بر ضد واقعیت تاریخیشان در یاره آن تصمیم بگیرند.

بدینسان با این گونه انقلابها و دگرگشتها، انسانی پیدایش می‌یابد که «بدون گذشته و بدون تاریخ» است. عقل فقط با نفی و انکار تاریخ و ضدیت با تاریخ خود آن انسان، ایده‌آل اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و حقوقی خود را معیار میسازد. و این بی گذشته و بی تاریخ بودن انسان سبب میشود که انسانی بوجود بیاید تا همانسان که عقلش «خود مختار مطلق» قلمداد میشود؛ بتواند هر شکلی را به خود ببذیرد. در واقع همانند خمیر است که میتوان به آن هر شکلی را داد. چون «آنچه که تاریخ دارد» هر شکلی را نمیپذیرد؛ بلکه امکانهای شکل پذیرش محدود است. هر انسانی و هر اجتماعی که تاریخیست، در برابر پذیرفتن شکلها، مقاومت و سرخشی نشان میدهد و فقط برای پذیرش بعضی از تغییرات، مناسب و هموار است.

همین عقل بی تاریخ و پیدایش نظام بی تاریخ سبب میشود که سیاستمداران و متفکران و نهضتگران اجتماعی به فکر آن بیفتند که با فکرشان و تصمیمشان، انسان و دنیا را تغییر شکل بدهند. فلسفه و سیاست میکوشند که ساختار انسان و تاریخ و اجتماع و جهان را تغییر کلی بدهند. ولی برعکس انتظار آنها، انسان، وجودیست تاریخی. و انسان را نمیتوان به شکل ایده‌آلهای عالی ساخت و افسرد. در اروپا فلاسفه کوشیدند که با مرجعیت مطلق به عقل دادن و استوار ساختن نظام سیاسی بر اصول عقلی و سپس خط کشیدن بر روی

اخلاق هستند. معتقدان به هر دینی یک نوع شیوه رفتار را باهم عقیدگان دارند و یک یا چند نوع شیوه رفتار با کسانی دارند که دارای عقاید و باورداشتهای دیگر هستند. هر مسلمانی با کافران و ملحدان و مرتدان و همچنین با زنان و دختران به شیوههای گوناگون رفتار میکند. در واقع، اسلام یک اخلاق ندارد؛ بلکه اخلاقیهای مختلف دارد. و این چند گونگی اخلاق، سبب تبعیض اخلاقی میشود. و اسلام درست بر شالوده «تبعیض اخلاقی» استوار است. حتا دست زدن به انسان دیگر را چون کافر است؛ نجس است؛ و ناپاک میداند. مسلمان با کسی دیگر که عقیده‌ای به اسلام ندارد؛ نباید تماس جسمی و حسی داشته باشد؛ یعنی شالوده همه پیوندها را با او باید ویران کند. نجس بودن، نماد این اصل است. حال در چند فرعی که استثناء قائل شده است نیز در واقع روح همین اصل چیره میشود. هر ایده‌آل نتایج ذاتی و گوهری خود را میدهد؛ ولو بنیانگذار هر دینی استثنائاتی نیز قائل شده باشد. نیش قبر قدغن شده است. ولی این قاعده تابع شیوه رفتار کلنی با دشمنست که در همان کلمه «لایله اللات» معین گردیده است.

تکامل اخلاق در داشتن شیوه رفتار واحد در برابر همه انسانهاست. تکامل اخلاق بر ضد تبعیض اخلاقیست. و تکامل اخلاق در اثر معیتر شدن عقل در اجتماعات و نفوذ ریشه‌دار آن در روان مردمست. عقل با مفهومات کلی و عمومی سروکار دارد. خواه ناخواه هر چه عقل و فلسفه بیشتر در دین نفوذ کند؛ معیارهای اخلاقی، عمومی تر و کلی تر میشوند. جنبشهای عقلی و فلسفی در اروپا دین را داداشتند که کم کم از تبعیضهای اخلاقی و دو اخلاقیه رفتار کردن، دست بکشد و یا از شدت ویرانگر آن بکاهد.

تسامح و مدارائی با عقاید و ادیان در اثر نفوذ دین پیدایش نیافت با آنکه محبت در مسیحیت و «لااکراه فی الدین» در قرآن باید اصل هر گونه رفتاری باشد. از راه چنین توصیه‌هایی تسامح کلی و قانونی پیدایش نخواهد یافت؛ بلکه همان کلیت مفاهیم عقلی، سبب پیدایش تسامح میشوند. عقل همان رفتار درونی در اجتماع دینی را کلی ساخت و مرز میان درون گروه و بیرون گروه را برداشت. به عبارت دیگر، اخلاق بین عقیده و دین هیچ تفاوتی نمیگذارد. بر بنیاد اخلاق، انسان باید با آنکه به فکر و عقیده من اعتقاد دارد و یا ندارد و همچنین با آنکه هم ملت، هم طبقه، هم نژاد، هم جنس، هم رنگ، هم حزب با من هست یا نیست؛ یک نوع رفتار کنم. مفهوم کلی عقلی، تفاوت اخلاق را در درون گروه و در بیرون از گروه نپذیرفت. انسانیت و اخلاق، مرز هم عقیدگان و ملت و طبقه و جنس و نژاد و برادران دینی و ایدئولوژیکی را نمیپذیرد. دموکراسی به یک شیوه رفتار، به یک اخلاق با همه انسانی تیز دارد. فکر تساوای حقوقی و سیاسی و اقتصادی از شیوه رفتار یکسان با همه انسانها باید سرچشمه بگیرد.

چگونه میتوان در جامعه‌ای که فرد مومن؛ شیوه‌های گوناگون رفتاری را با مسیحی و یهودی و زن و دختر و اقلیتهای قومی دارد؛ تساوای دموکراتیک را برقرار ساخت؟ در هر صورت دموکراسی فقط یک اخلاق و یک شیوه رفتار را با همه انسانها میپذیرد و با دینی که شیوه‌های اخلاقی گوناگون دارد؛ نمیتواند مفهوم تساوای را واقعیت ببخشد که اصل گوهری دموکراسی است. ولی ما در اخلاق جوانمردی و اخلاق رندی و اخلاق عرفانی خود این سنت اخلاقی را داریم و با مایه گرفتن از این اخلاقیات که میتوان به گذاردن شالوده اخلاقی برای دموکراسی تلاش ورزید. با وجود کوششهای فراوانی که برای یکی قلمداد کردن اخلاق جوانمردی یا اخلاق دینی یا اخلاق جوانمردی با اخلاق عرفانی شده است؛ اخلاق جوانمردی، اخلاقیست جداگانه از اخلاق اسلامی و اخلاق عرفانی. امروزه میتوان بر ضد این تلاشهای «مشتبه سازی و مشابه سازی» ماهیت جداگانه آنها را از همدیگر معین کرد. اخلاق جوانمردی در واقع تحویلیست در امتداد «اخلاق پهلوانی» که در برابر و تضاد با

هر گونه نظام سیاسی بر اخلاق ویژه خود استوار است. و اخلاق، چیزی جز شیوه رفتار انسانها با همدیگر، برای با هم زیستن (همباشی) نیست. این نوع شیوه رفتار انسانها نسبت به همدیگر باید به گونه‌ای باشد که هر کس به سوی «خوشبود همگانی» بگراید. در واقع در هر گونه نظام سیاسی و حکومتی، مفهومی از شیوه همزیستی و یا «شیوه رفتار انسانها با همدیگر» چهره به خود گرفته است. تا زمانی که فقط یک مفهوم از همزیستی در ذهنها و روانها وجود دارد؛ حکومتی متضاد با آن مفهوم در اجتماع به پا نخواهد خاست و اگر هم ساخته شود، بنایی متزلزل خواهد بود. البته چنین مفهومی از همزیستی باید طوری پروریده شود که به طور عملی بتوان معیارهای رفتار سیاسی را از آن استنتاج کرد. انسانها اخلاق یا شیوه رفتار با همدیگر را کم کم رشد میدهند. و به عبارت دیگر؛ اخلاق، روئیدنیست نه ساختنی. اخلاق، یک نوع قرارداد ساختگی و یا پیمان بندی ارادی نیست که بتوان آن را هرگاه خواستیم از نو ببندیم و یا در آن تجدید نظر بکنیم؛ بلکه در تاریخ کلی یک جامعه ریشه دارد. دموکراسی نیز مانند همه نظامهای سیاسی دیگر به اخلاق متناظرش نیاز دارد تا بتواند بر پایه‌های آن استوار بایستد. سدهاست به ما تلقین کرده‌اند که اخلاق، تابع دین است و یا آنکه با دین عینیت دارد. و کسی که دین ندارد؛ پس بی اخلاق است. بسیاری از آخوندها نیز همین گونه در باره سیاستمداران داری کرده‌اند و میکنند. ولی اخلاق و دین با آنکه هزارها بستگیهای تنگاتنگ را داشته‌اند؛ با هم یکی نیستند. و اخلاق میتواند از دین جدا شود و با آزاد شدن از دین، تحول و فراگشت بیشتری داشته باشد. در کنار اخلاق دینی اسلامی در مبین خودمان، اخلاقیهای دیگر نیز بوده‌اند. اخلاق جوانمردی، اخلاق رندی و اخلاق عرفانی با وجود آنکه همیشه به عمد یا ناگاهانه با هم مخلوط ساخته میشوند؛ همواره از عوامل زنده در اجتماع ایران بوده‌اند. اینها همه، سنتهای اخلاقی ما هستند. از این گذشته اخلاقی نیز که به نام «بی اخلاقی» خوانده میشود؛ خودش یک نوع اخلاق است. همین اخلاق که همیشه به نام بی اخلاقی یا ضد اخلاق خوانده شده است؛ خود همه آخوندها و شریعتمداران بر طبق آن هر دم زیست‌اند و فقط گهگاهی به اخلاق دینیشان تظاهر کرده‌اند. در واقع آن اخلاقی را که به بی اخلاقی متمم می‌ساخته‌اند؛ اخلاق رایج اجتماع بوده است. این دو اخلاق یا چند اخلاقه بودن، یک واقعیت اجتماعی است. وقتی ایده‌آلهای اخلاقی حاکم، از واقعیت خیلی دور افتاد؛ جامعه به اخلاق ایده‌آلی‌اش تظاهر خواهد کرد ولی با اخلاق مطرودش خواهد زیست. از طرف دیگر؛ وقتی وجدان اخلاقی بی عقل انسان بیشتر رشد کند؛ در اخلاق دینی حاکم؛ یک نوع «کم اخلاقی یا تنگی اخلاق» مینبند. و همین احساس و تجربه به دو اخلاقی بودن ختم میشود. در واقع هر کس اخلاق رایج دینی را تحقیر میکند و بر پایه اخلاق عالیشان زندگی میکند؛ ولو آنکه هنوز به «دینی بودن اخلاقی» تظاهر نیز نکند. در «الهی نامه» عطار نیشابوری، داستانی از یوسف می‌آید که مضمون آن به اندیشه‌های سترگ اشاره میکند. در گذشته، یکی از راههای انتقاد از اخلاق یا دین همیشه دستکاری در اسطوره‌های معتبر گذشته بوده است. قصص توراتی یا قرآنی یا اندکی تغییر به اخلاقی دیگر می‌انگیزند. عطار میگویی که روزی جبرئیل از یوسف می‌رسد که اگر برادرانت که به کشتن تو همت ورزیدند؛ به مصر بیایند، با آنها چه قصاصی را خواهی کرد. یوسف میگوید؛ من آنها را دعوت خواهم کرد و هنگام پذیرایی، نقاب از چهره‌ام بر خواهم داشت تا آنها از عمل خود شرمسار گردند و اگر شرمسار نشدند؛ هر گونه کینری بی ارزش است. به نیکی میتوان دید که عطار نه تنها قانون مجازات اسلامی را رد میکند؛ بلکه شیوه رفتار لطیف‌تری را با انسان مجرم خواهانست. او در انسان، بزرگی و حساسیت اخلاقی بیشتری را سراغ دارد. وی همان شرم برون بر اخلاق مجازات میشارد.

او میکوشد از اخلاقی که در زیر اندیشه قصاص، نهفته است اخلاقی برتر و انسانی‌تر برویاند. ولی این تخمه فکری در اخلاق و سپس در حقوق ایران جا برای خود باز نکرد. البته داوریهایی کلی درباره رابطه دین و اخلاق، بیپوده است. دین، هم ایده‌های اخلاقی را رشد داده است و هم آزار از رشد فراگستری باز داشته است. برای مثال در اسلام توصیه میشود که دوست بدارید و برادری و یاری کنید، ولی آزار به برادران ایسانی و عقیدتی محدود کرده است. به طبع خود به خود، بسیاری از ادیان دارای دو یا چند نوع

توسعه از دیدگاه سازمان ملل

سرانجام اندونزی نیز

بقیه از صفحه ۱۲
سقوط نرخ سهام در بازار بورس جاکارتا به تردیدهای نوحاسته در محافل سرمایه‌گذاران خارجی و آماده شدن آنها برای فرار و به انعکاس منفی تحولات اخیر در نیویورک، لندن و توکیو اشاره می‌کنند.
نیروهای دموکراتیک می‌گویند، نظم موجود بی آینده است. هر چه سلطه خونین ارتش بیشتر ادامه یابد، جامعه اندونزی با شدت بیشتری بسوی انفجار خواهد رفت. اندونزی می‌تواند و باید مصالح جامعه مدنی را بر منافع قدرت سیاسی توازن دهد. اندونزی اقتدر توسعه یافته است که دیگر نمی‌تواند زیر سیطره بلامنانج ارتش و زیر برق سرنیزه و سلاح زندگی کند. اکنون دیگر نه مردمی که توسعه آنان را بیدار کرده است حاضرند به همان شیوه قدیم همه حق اداره کشور را به حاکمان مستبد و فاسد واگذارند و نه این مستبدین ۳۰ ساله قادرند سال‌های آتی را (با خیال تداوم شرایط گذشته) به حاکمیت خونین خود ادامه دهند.

● رشد بی رحمانه: ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر میشوند. عمیق‌ترین شکاف بین این دو قطب را میتوان در کشورهای برزیل، گواتمالا و پاناما مشاهده نمود.
● رشد بدون حقوق: به موازات رشد اقتصادی موجود، دموکراسی و تقسیم قدرت نادیده گرفته شده و از رشدی متناسب با رشد اقتصادی برخوردار نیست. این گزارش بعنوان مثال از اقتصاد کشورهای آسیای جنوب شرقی نام می‌برد.
● رشد بدون ریشه: هویت فرهنگی توسط حکومت مرکزی کنار گذاشته شده و یا غیر قانونی اعلام گشته است. بعنوان نمونه از کشورهایی که از یوگسلاوی سابق بوجود آمده‌اند و یا مناطق کردشین در عراق و ترکیه اسم برده شده است.
● رشد بدون آینده: نسل امروز در استفاده از ذخائر و منابع طبیعی، که هم چنین به نسلهای آینده هم تعلق داشته و مورد احتیاج آنها هم خواهد بود، اسراف بخرج میدهد. گزارش در اینجا از کشورهایی که از نظر اقتصادی رشد سریعی داشته‌اند مثل اندونزی و تایلند نام می‌برد. تنها جنگلهای تایلند از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۸ از ۵۵ درصد به ۲۸ درصد کاهش یافته است.

تقریباً نصف مردم جهان زندگی می‌کنند. در لیست تهیه شده که در آن ۱۷۴ کشور بر اساس رشد و توسعه جمعیشان طبقه بندی شده‌اند، کانادا در مرتبه اول و قبل از آمریکا و ژاپن قرار دارد و پانزده کشوری که در انتهای این لیست قرار دارند به استثنای افغانستان همگی از قاره آفریقا میباشند. معیاری را که این گزارش برای قضاوت احوال خود پیرامون رشد کشورها در نظر گرفته است شامل رشد اقتصادی، اشتغال و تندرستی مردم هر کشور بوده است و بین رشد اقتصادی خوب و بد فرق قائل شده است.

● رشد بدون ایجاد امکان اشتغال: مجموعه اقتصاد بعضی از کشورها از رشد برخوردار بوده اما در عرصه ایجاد اشتغال هیچگونه بهبودی در این کشورها صورت نگرفته است. بنا بر اطلاعات سازمان ملل، این مشکل شدیداً دامنگیر کشورهای در حال رشد میباشند. این گزارش معتقد است که افزایش هر چه بیشتر بیکاری را میتوان متوقف نموده و در جهت عکس آن حرکت نمود. به شرطی که حل این مشکل تبدیل به هدف مقدم سیاست اقتصادی شده و با جدیت به آن برخورد شود. این گزارش دخالت دولتها جهت ایجاد امکانات و تسهیلات بیشتر را در عرصه مدرسه، آموزش حرفه‌ای و اشتغال را توصیه میکند.

مشاجرات پیرامون جریان «اتحاد چپ دموکراتیک ایران»

در سالهای اخیر با حدت یابی اوضاع سیاسی کشور و تحرک طبقات مختلف نیروهای سیاسی منجمله نیروهای چپ در داخل کشور گسترش یافته است. از جمله نشریات و اطلاعاتی با عنوان «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» منتشر می‌شود. از آنجا که تا به حال این نشریات و مواضع و اهداف آنها اطلاعات دقیقی در دست نیست، نیروهای سیاسی خارج از کشور منجمله نیروهای چپ در قبال آنها سکوت کرده‌اند. اما در ماه گذشته مطلبی در این زمینه در نشریه آرش انتشار یافت و نویسنده مطلب، مسائلی در مورد این جریان مطرح ساخت که واکنش‌هایی را برانگیخت. نامه مردم و راه توده به این مطلب پاسخ دادند. در اینجا بخش‌هایی از مطالب فوق را جهت اطلاع خوانندگان بسط از نشریه آرش شماره ۵۵ درج می‌کنیم:

وقتی کتاب «خاطرات نورالدین کیانوری» در سال ۱۳۷۱، پس از «اعترافات» و بخش‌هایی از او در نمایش تلویزیونی سال ۱۳۶۲، منتشر شد دوباره بسیاری از میدان ساده لوح او، که تا این زمان سرشکسته کلام در دهانشان ماسیده بود، به وجد آمدند و زبان به تحسین گشودند چرا که «تہمتن» بار دیگر در وجود «پدر کیا» قد برافراشته و اینجا در معارضه لفظی با مأموران تهیه کننده کتاب، از کمونیسم و شوروی و حزب توده به نحوی دفاع کرده بود. اما «بدبینان» با توجه به اینکه کتاب به کمک و زیر نظر سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی تدوین شده و به همت یکی از شعبه‌های آن انتشار یافته بود، مطلب را طور دیگر تفسیر کردند. ایشان شک نداشتند که سازمان اطلاعاتی جمهوری اسلامی، با توجه به جاذبه‌های فکر سوسیالیسم و دموکراسی و حضور و وجود نیروی عظیمی در جامعه که به این فکر و نظام اجتماعی عقیده‌مندند و مهر می‌ورزند، همانند رژیم شاهنشاهی به این نتیجه رسیده که بهتر است بجای مقابله خشن با این فکر و این نیرو «مرد هزار چهره» جدیدی به خدمت گیرد. در اردیبهشت ماه سال گذشته اینجا و آنجا و آنجا و آنجا در گوشه‌ی راه افتاد و اوراقی پنهانی دست بدست گشت که از ظهور سازمانی با نام «اتحاد چپ دموکراتیک ایران» خبر می‌داد.

در مقاله آمده است که ابتکار شکل‌گیری جریان جدید با علی عموشی است که توسط ساواسا هدایت می‌شود و دامی برای نیروهای خوشبخت و داخل کشور است. در ادامه نوشته شده است: سازمان «اتحاد چپ دموکراتیک ایران»، که به عنوان یک سازمان چپ هواخواه سوسیالیسم از اردیبهشت ۱۳۷۴ رسماً و به صورتی به اصطلاح نیمه مخفی، مشغول فعالیت شده تا پایان این سال به انتشار هفت شماره

اساس رژیم استبداد را نشانه بگیرد جلوگیری کند. در کنار این نظریه، موضوع حزب درست کردن و راه‌انداختن دسته‌های سیاسی، در شرایطی که میل و اشتیاق به مبارزه در جامعه رو به گسترش است و گروهها و محفل‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ابعاد گسترده‌ای پدید می‌آیند و به مبارزه بر می‌خیزند، از جمله ترندهایی است که هم ساواک و ساواک‌های هم توسط ساواک جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و می‌شود. در چنین شرایطی تنها هوشیاری و ارزیابی دقیق مبارز انقلابی است که می‌تواند خطر فعالیت پلیس را تشخیص دهد و از آن پرهیز کند.

اما، آنچه مربوط به زمزمه «علنی شدن حزب توده» در ایران شکل و شمایل فعالیت‌های مختلف از جمله انتشار نشریات نیمه‌علنی مانند «اندیشه نو» راه افتادن بنگاهها و شرکت‌های پژوهشی، که گویا سخت‌گیران عدم وجود یک تحلیل مشخص در طیف چپ ایران پیرامون علل فروپاشی سوسیالیسم است به هیچ وجه با حزب توده ایران ارتباطی ندارد. تناقض و تضاد نظرات سیاسی چنین شرکت‌هایی با حزب توده ایران بقدری است که با انبوهی سریش نمی‌توان آنها را بهم چسباند. نشریه راه توده نیز در شماره ۵۰ به مطلب منتشره در نشریه آرش پاسخ داده است:

مطلب کینه‌توزانه‌ای که در «آرش» منتشر شده، در واقع شامل دو بخش است. یک بخش از آن در رد استقلال گروه‌بندی و یا جریانی است که در داخل کشور و تحت عنوان «اتحاد دموکراتیک ایران» طی دو سال گذشته اطلاعیه می‌دهد و بنا بر نوشته «آرش» رهبری آن بر عهده یکی از فعالان سیاسی تقریباً شناخته شده چپ ایران، بنام «پیروز دوانی» است.

بخش دوم که در تمام این مطلب ریشه دوانده، سبزی با حزب توده ایران است. ما در باره بخش نخست، که گروه‌بندی یاد شده را ساخته و پرداخته سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی می‌داند، نه اطلاعات کافی برای ورود به اینگونه مباحث را در اختیار داریم و نه خود را مجاز می‌دانیم، اینگونه بی‌گدار به آب زده و برای دیگران پرونده همکاری امنیتی بسازیم.

البته باید انتظار داشت که اگر نویسنده یا ارسال‌کننده مطلب مورد بحث برای «آرش» اطلاعاتی در اختیار دارد، که بر اساس آن وزارت اطلاعات و امنیت کشور سازمانی را سرهم‌بندی کرده است، خوب بهترین کار آنست که این مدارک (نه تعبیر و تفسیرهایی که در آرش منتشر شده) در اختیار همگان قرار گیرد. اگر چنین اطلاعی را هم ندارد و یا اصولاً چنین تشکیلاتی وجود خارجی ندارد و تنها تحت این نام، عده‌ای سینه سپر کرده و به صورت علنی نظراتی را در داخل کشور منتشر می‌کنند و در حد و به زعم خود از سوسیالیسم دفاع می‌کنند و مطالبی را که در این عرصه بدستشان می‌رسد، منتشر می‌کنند، عیب و ایراد این کار در کجاست؟

نامه مهندس سبحانی به رفسنجانی و پاسخ او

در ادامه مباحث مربوط به برنامه تلویزیونی هویت، نشریه ایران فردا در شماره ۲۶ متن نامه سبحانی به رفسنجانی و پاسخ وی را منتشر کرده است. در نامه سبحانی آمده است: «ممکن است دولت نظریات سیاسی یا فرهنگی و مذهبی اینجانب را نپسندد و بخواهد نسبت به آن واکنش نشان بدهد اما با توجه به سابقه ۵۰ ساله فعالیت من که حداقل بر شخص شما پوشیده نیست، انتساب مرکزیت و پایگاه تهاجم فرهنگی غرب به این نشریه یک اتهام و افترا و سلب حیثیت آشکار است.»

در بخش دیگری با اشاره به اختلاط مغالطه آمیز و پخش قسمتهایی گزینشی از بازجویی ایشان در زندان غیرقانونی ۶ ماهه سال ۶۹ که تحت فشار شدید روانی و روحی بعنوان آرشو داخلی زندان ضبط شده، عنوان کرده‌اند با این عمل هم به سوابق و خدمات یک نیروی ملی - مذهبی سابقه‌دار کشور یعنی نهضت آزادی اهانت کرده‌اند و هم موجب لطمه به حیثیت اینجانب شده‌اند.

مهندس سبحانی با استناد به برخی از مواد قانون اساسی و قانون خط مشی

در مورد برنامه «هویت»

پخش برنامه هویت در تلویزیون جمهوری اسلامی که تمامی نیروهای مخالف و منتقد رژیم را مورد حملات تند قرار داد واکنش‌های اعتراضی مختلف را موجب شد. منجمله نشریه ایران فردا شماره‌های ۲۵ و ۲۶ به بررسی این برنامه و انتقاد از روش‌های بکار گرفته شده در این برنامه پرداخت در نشریه شماره ۲۶ ایران فردا در مقاله‌ای با عنوان «باز هم هویت» آمده است: «این نشریه، بر حسب تجربه، فیم و ادراک مؤسسان و فعالان آن، بر سر آن بوده و هست که سلسله گره‌ها و سرانده‌های بیادینی را جستجو کند که باعث گرفتاریهای ملی و اجتماعی کنونی ما شده و این ملت بلاذیده را به رغم توانها و استعدادهاش و صدماتی که تحمل کرده است، چنین گرفتار مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها نموده است. تا مگر، از رهگذر شناخت این موانع بنیادین و سعی در چاره و درمان آنها، امور ملک و ملت رو به اصلاح روند و از فاجعه‌های عظیم همچون سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی سابق پیشگیری شود. کسانی که تخریب و تلاشی نظام مملکت را از سال ۵۷ بدین سوی طلاق گشته‌اند و نسبت به رقابت‌های رایج جهت کسب قدرت سیاسی یا مشارکت در حکومت و قدرت، با بهره‌مندی از نظام ثروت نیز، جهاد تکبیر زده‌اند. تمامی تلاش و دغدغه بر این است که مبادا روند تمرکز و بسته شدن حاکمیت ادامه یابد که اگر چنین شود، بر حسب قانون طبیعت و سنت الهی، روی بر انهدام نهادن، بر ناصیه هر نظام بسته رقم خورده است.

در ادامه مقاله مواد مختلف قانون خط مشی صدا و سیما جمهوری

معرفی تشکلهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست

در ادامه معرفی کانون و تشکلهای دموکراتیک در این شماره نیز یکی از کانونهای دموکراتیک تشکیل شده در داخل کشور را به نقل از شماره دهم نشریه «کتاب توسعه» با نام «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» معرفی می‌کنیم:

سرزمین ما ایران زیباست. این میراث موهبتی است الهی که از نیاکان ما به ما رسیده است. پاک‌کوشش و فعالیت پیگیر از آلودگی‌های آن بکاهیم و این سرزمین را هرچه زیباتر و بارورتر و عاری از هر گونه آلودگی به نسلهای آینده تحویل دهیم.

«جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» به لحاظ نیاز مبرم جامعه امروز ایران در سال ۱۳۷۴ تاسیس گردید. هدف از تشکیل جمعیت، مبارزه عملی با مسائل و مشکلات آلودگی محیط زیست بویژه در تهران بزرگ و پس از آن در سراسر کشور می‌باشد. این مبارزه فقط با مشارکت مردم و به خصوص زنان جامعه امکان‌پذیر است. این جمعیت، جمعیتی است غیر انتفاعی و وابسته به هیچ گروه یا ارگان دولتی نمی‌باشد. برخی از اهداف این جمعیت به شرح زیر است:

- ۱- تشویق و ترغیب اعضا به مشارکت در مبارزه با آلودگی محیط زیست.
- ۲- جمع آوری اطلاعات و آمار از وضعیت محیط زیست شهرهای بزرگ ایران.
- ۳- بررسی و مطالعه در مورد چگونگی مبارزه با آلودگی و انتخاب الگوها و مدل‌های مناسب برای توسعه نتایج حاصله از مطالعات.
- ۴- همکاری با مراکز و نهادهای آموزشی به ویژه وزارت آموزش و پرورش در تهیه مطالب و متون درسی فوق برنامه و کمک آموزشی و کمک در زمینه محیط زیست در مقاطع تحصیلی از کوهستان تا پایان دبیرستان و دانشگاه.
- ۵- کمک در ایجاد بسیج عمومی برای پاکسازی محیط زیست با همکاری ارگانهای ذربیط.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از محمودیه، خیابان سپهبد قری، کوچه دوم، شماره ۱۱، کد پستی ۱۹۶۵۷ تلفن: ۲۰۴۵۶۶

توضیح و تصحیح
* مطلب مندرج در شماره قبل نشریه کار با عنوان «سیما جهان معاصر را بهتر بشناسیم» دومین و آخرین بخش آن بود که متأسفانه در آخر مطلب آمده بود «ادله دارد».

* همچنین در همان شماره نشریه، در مصاحبه با خانم گلناز امین در ستون آخر پاراگراف اول بجای کلمه «آتش» کلمه «دوخت» درج گردیده بود که با بزرش از خوانندگان تصحیح می‌گردد.

<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p> <p>اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: ()</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه □ یک سال □</p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>		<p>بهای اشتراک «کار»</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>I.G.e.v</p> <p>آدرس:</p> <p>22442032</p> <p>Postfach 260268</p> <p>37050198</p> <p>50515 Koeln</p> <p>Germany</p> <p>Stadtsparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>شماره ناکی 0049 - 221 - 3318290 Fax:</p>
<p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!</p>			

اینترنت و نظام ناعادلانه جهان

نویسنده: آلن گرش (۱)

ترجمه: ح. بهداد

«از طریق مسکو در مسیر جاده ابریشم»

ابوالفضل

قسمت ششم

نیز چنین بود، بدون خواندن این دانشگاه‌ها و این تسلسل ما نمی‌توانستیم لوناچارنسکی یا به قولی جامعه سوسیالیستی در معنی واقعی کلمه شویم. ما دیر یا زود به این بن‌بست می‌رسیدیم. حال ما تلاش می‌کنیم، حلقه ضعیف پاره شده را در مسیر واقعی خود قرار دهیم. و این به سادگی امکان‌پذیر نیست. ما باز انقلاب کردیم. انقلابی رفرمیستی با تمام مسائل و مصائبی که یک دگرگونی به همراه دارد. هر انقلابی هر رفرمی برای آنکه در مسیر واقعی و بالنده خود قرار گیرد محتاج زمان است. در این فاصله تمام مشکلاتی که امروز می‌بینید جزء لاینفک آن است. اما ما روندها را مثبت و رو به جلو می‌دانیم. حال حداقل پارلمانی داریم که احزاب مخالف و موافق در آن حضور دارند. نشریات مختلفی که مجموعه عقاید متفاوت را منعکس می‌کند. ما تلاش کردیم که کشور را از قید آن مرکزیت یک بعدی ایدئولوژیک که پیرامون حاکم مطلق آن بودند نجات دهیم. ما زیانناهی از این حکومت دینی (بله این که لنینیسم را وحی منزل کرده و هیچ تحوّل و نوآوری را اجازه نمی‌داد) خوردیم. ما به دیناسورهای عظیم حجر تبدیل شده بودیم و حرکت‌مان به همانگونه بطئی، در عین حال حذف‌انگیز. ملت روس ملت بسیار با هوش و سخت‌کوش است. اما چهارچوب‌های تنگ مغز ما را درست مثل آن مردان گیج تصویر شده در زمان «روزی به روزای یک قرن» چنگیز آیتاماتوف کرده بود: «... که نخست با پوستی تازه سرشان را دور تا دور می‌بستند و پس آنگاه زیر آفتاب سرگردانشان می‌ساختند تا پوست برسد، خشک شود و کاسه سر را زیر فشار قرار دهد و این سر پرس شده آرام آرام تغییر شکل می‌داد و مردانی گنگ و گیج از دل آن بیرون می‌آمد.»

ما می‌خواستیم از این وضع نجات پیدا کنیم. اعتماد سلب‌گشته از نیروی خود را در بین روشنفکران از نو زنده کنیم. به چشمان شبه مغولی، شوخ و زیرکشان نگاه می‌کنیم. از تلافی نگاه‌هایمان به خنده می‌افتد و می‌گوید شاید تو هم از سری کسانی هستی که ما را یهودا می‌خوانند. همیشه نمی‌شود بزه سربراه مسیح ماند و جملگی از کاسه جوین لقمه گرفت!

بدون عین دگرگونی نمی‌توانستیم در کشاکش ظلم و فن در دنیای نوین کامیوتری و کاملاً تخصصی شده جانی داشته باشیم. من به نیروی خلق روشنفکران روس و به سخت‌کوشی این ملت ایمان دارم. ما جای خود را در جهان.....

بدون در راه به گوش می‌رسد. صدای گریه و ماتم عظیم راحل برای فرزندان خود مویه می‌کرد و تسلی نمی‌پذیرفت زیرا آنها مرده‌اند. «اشغیای نبی» کوچه باغی ساکت غنوده در ظهر گرم تابستان گورگان تپه. یا درختان توت در یکسوی و در دیگر سوی خانه‌های سفید با درهای آبی و سبز، یا دیوارهای کوتاه‌گلی که بوته‌های کدو با کدوهای زرد و رسیده بر روی آنها پهن شده‌اند، جویباری آرام در جریان است، یا فاصله‌هایی چند روی جویبار زیر سایه درختان تخت‌های چوبی آبی رنگی نهاده‌اند. برای دم‌گیری عصر تابستان. اما حال کوچه خالی است. بیشتر خانه‌ها خالی‌اند. دیر وقتی است که صاحبان این خانه‌های آرام یا کشته شده‌اند و یا از این شهر کوچ کرده و در چهارسوی سرزمینهای دور یا نزدیک پراکنده گردیده‌اند. اینجا یکی از مراکز اصلی جنگهای تاجیکستان بود با حداقل سه هزار کشته.

از دربی نیمه‌باز صدای بازی چند کودک بگوش می‌رسد. چند دختر کوچک با پیراهن‌های تاجیکی، ادامه دارد

شهری برای استفاده‌های شخصی است که در حالی که حق انشعاب برای صاحبان مؤسسات و شرکت‌ها و بهای تماشای بین‌المللی مشمول تخفیف شده‌اند. گفتن ندارد که استفاده از اینترنت که مبتنی بر ارتباطات تلفنی است نیز بالطبع تابع همین تعرفه‌ها می‌شود. به دیگر سخن منطق بازار کاملاً از کنترل خارج شده چیزی نیست جز توانایی ثروتمندان به ضرر فردان به ضرر زنان، شهروندان، به ضرر روستائیان و... آیا اینترنت مناسب ناعادلانه‌ای خارج کند؟

لوموند دیپلماتیک، مه ۹۶ زیرنویس‌ها:

- ۱- سردبیر لوموند دیپلماتیک
Nicholaos Negroponte,
L'Homme Numérique
(Robert Laffont) Paris
1995 S.282-283
- ۲- The Internet and
the south: Superhighway
or Dirt track? London
(panes) 1995
- ۳- Newsweek, 27.feb.1995
- ۴- Benjamin barber, "finad vs
Meworld" Nework
(Random House) 1995
- ۵- نقل قول از پترکنستانتینی در مقاله‌ی
The Third wave Hits the
Third world
- ۶- در همین شماره لوموند دیپلماتیک
همان‌جا
- ۷- نقل قول از مقاله
Internet est- Il le messie
revnu sur terre?
Claudine Levesque
- ۸- نوشته در نشریه
Temps fou شماره ۹/۸ - دسامبر ۱۹۹۵

بر پایه یک بررسی انجام شده، میانگین سن افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند ۳۳ سال است و ۳۱/۵ درصد از کاربران این شبکه جهانی اطلاعات خانمها هستند. بر اساس این بررسی ۱۱ هزار و ۷۰۰ تن از مشترکین «ورلد واید وب» به پرسشنامه‌ای که بر روی این شبکه ارسال شده بود، پاسخ داده‌اند که از این میان ۷۳/۴ درصد در آمریکا و ۱۰/۸ درصد در اروپا بوده‌اند.

این بررسی نشان داده است ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان روزانه با شبکه وب ارتباط دارند و ۲۶ درصد اظهار داشته‌اند که به جای تماشای تلویزیون به گشت و گذار بر روی وب می‌پردازند.

بیشتر استفاده‌کنندگان اینترنت از خانواده‌های مرفه با میانگین درآمد سالانه ۵۹ هزار دلار هستند و ۵۶/۵ درصد حداقل یک مدرک دانشگاهی دارند.

یکی از تفاوت‌های عمده کاربران وب در آمریکا و اروپا اختلاف سن آنان است. کاربران اروپایی با میانگین سن ۲۸ از کاربران آمریکایی با میانگین سن ۳۴ سال، جوانتر هستند. بررسی اخیر سومین بررسی از طریق وب می‌باشد.

در آخرین بررسی که در آوریل سال گذشته انجام شد نسبت تعداد خانمهای استفاده‌کننده از اینترنت فقط ۱۵/۵ درصد مجموع کاربران بود حال آنکه در بررسی اخیر این نسبت به ۲۱/۵ درصد افزایش یافته است. اما در عین حال در میان کاربران اروپایی در صد خانمها ۲۵/۲ درصد است. به نوشته هفته‌نامه انگلیسی ساندی تایمز تعداد کاربران متأهل با ۴۱/۱ درصد نسبت به کاربران مجرد با ۴۰/۸ درصد برتری اندکی دارد.

در حال حاضر ۸۰ درصد منابع و سرمایه‌های جهان در اختیار ۲۰ درصد ساکنان آن است و در حالی که یک چهارم جمعیت زمین از سطح زندگی نسبتاً مرفهی برخوردار است، سه چهارم دیگر از حداقل امکانات برای یک زندگی انسانی محروم می‌باشند. این شکاف را چگونه می‌توان از میان برداشت؟ (۲) این پرسشی است که نیکلاس نگروپونت، نویسنده کتاب «Homme Numerique» و بنیان‌گذار مرکز رسانه‌ها در پژوهشگاه تکنولوژی ماساچوست، مطرح می‌کند. سوال آقای نگروپونت سوال خوبی است. به ویژه در هنگامه‌ای که میان کشورهای شمال و جنوب به لحاظ ثروت و فقر سد سدی پدید آمده که سر به آسمان می‌زند. اما پاسخی که خود نگروپونت به سه سوال خویش می‌دهد سخت ساده و توهم‌آمیز است: «در حالی که سیاستمداران بر سر میراث تاریخی و رویدادهای گذشته با هم کلنجار می‌روند در گستره تکنولوژی دیجیتال، تسلی در حال برآمدن است که پیشادورهای قدیمی بر ذهن سنگینی نمی‌کند. افراد این نسل برای گشودن باب دوستی و یافتن همکار، همدل و همبازی دیگر نیازی به تماس‌های شخصی و حضوری ندارند. به عبارت دیگر تکنولوژی دیجیتال می‌تواند بیان یک نیروی طبیعی، جهانی هماهنگ پدید آورد.» ولی آخر با کدام سحر و افسون بچه‌های محله‌های فقیر نشین لیما (پایتخت پرو)، روستاهای آفریقا و یا نیویورک قادر به دسترسی به گستره سیبورتیک خواهند بود؟ پیام‌آوران «انقلاب اطلاعاتی» در این باره مهر سکوت بر لب زده‌اند. زمانی حامیان پرشور پیشرفتهای تکنولوژیک مدعی شدند که راه‌آهن بر جنگ‌ها و چالش‌های طبقاتی نقطه پایان خواهد نهاد، اندکی دیرتر چنین رسالتی به دوش تلخ گذاشته شد و اینک قرار است اینترنت به این رویا جامه عمل بپوشاند! تردیدی نیست که شبکه‌های اطلاعاتی جدید پیشرفت شگرفی را به نمایش می‌گذارند. این پیشرفت پزشک فلان روستای دورافتاده در زامبیا را قادر می‌سازد که در مواقع ضرورت بیمارستان پایتخت را به یاری فراخواند. و یا «سازمان زنان مکزیک» می‌تواند سریعاً در باره یک شرکت نساجی آمریکایی که شعبه‌ای در مکزیک دایر کرده اطلاعات کسب کند و با آمادگی بیشتر به مذاکره با مدیریت آن بنشیند. (۳) مدرسه کریستف کلمب در یونیون سیتی (نیوجرسی آمریکا) در محله‌ای واقع شده که اکثر ساکنان آن اصل و نسب آمریکایی لاتینی دارند. این مدرسه به شبکه اینترنت وصل است و دانش‌آموزان دوازده ساله آن هر کدام صاحب یک کامپیوتر شده‌اند. از این رهگذر آنها موفق شده‌اند در میان همپایان خود در آن منطقه به بهترین کارنامه تحصیلی دست یابند. (۴)

با این همه چگونگی گسترش اینترنت چه به لحاظ محتوا و عمل تابع لحاظ دسترس‌پذیری در سطح تابع قانونمندیهای اجتماعی و شکاف میان فقر و ثروت است. به دلایل تاریخی «شبکه جهان‌گستر» (WWW World Wide Web) کماکان تحت تسلط موسسه‌های عمومی، دانشگاه‌ها و سازمانهای غیردولتی قرار دارد. به دیگر سخن مشکلات مربوط به ایجاد سیستم‌های الکترونیکی پرداخت حق استفاده از این شبکه، تجاری شدن و گسترش آن را به تأخیر انداخته است. حال اگر این اشکال برطرف شود، باز هم این پرسش مطرح است که در آینده چه کسی در باره محتوای اطلاعات جاری در این شبکه تصمیم خواهد گرفت. بنیامین باربر، نویسنده کتاب «Jinad Vs. Meworld» پی‌ساخت درنگ‌آمیزی به این پرسش می‌دهد: «اینترنت به لحاظ تکنولوژیک

در حالی که پیشادورهای قدیمی بر ذهن سنگینی نمی‌کند. افراد این نسل برای گشودن باب دوستی و یافتن همکار، همدل و همبازی دیگر نیازی به تماس‌های شخصی و حضوری ندارند. به عبارت دیگر تکنولوژی دیجیتال می‌تواند بیان یک نیروی طبیعی، جهانی هماهنگ پدید آورد.» ولی آخر با کدام سحر و افسون بچه‌های محله‌های فقیر نشین لیما (پایتخت پرو)، روستاهای آفریقا و یا نیویورک قادر به دسترسی به گستره سیبورتیک خواهند بود؟ پیام‌آوران «انقلاب اطلاعاتی» در این باره مهر سکوت بر لب زده‌اند. زمانی حامیان پرشور پیشرفتهای تکنولوژیک مدعی شدند که راه‌آهن بر جنگ‌ها و چالش‌های طبقاتی نقطه پایان خواهد نهاد، اندکی دیرتر چنین رسالتی به دوش تلخ گذاشته شد و اینک قرار است اینترنت به این رویا جامه عمل بپوشاند! تردیدی نیست که شبکه‌های اطلاعاتی جدید پیشرفت شگرفی را به نمایش می‌گذارند. این پیشرفت پزشک فلان روستای دورافتاده در زامبیا را قادر می‌سازد که در مواقع ضرورت بیمارستان پایتخت را به یاری فراخواند. و یا «سازمان زنان مکزیک» می‌تواند سریعاً در باره یک شرکت نساجی آمریکایی که شعبه‌ای در مکزیک دایر کرده اطلاعات کسب کند و با آمادگی بیشتر به مذاکره با مدیریت آن بنشیند. (۳) مدرسه کریستف کلمب در یونیون سیتی (نیوجرسی آمریکا) در محله‌ای واقع شده که اکثر ساکنان آن اصل و نسب آمریکایی لاتینی دارند. این مدرسه به شبکه اینترنت وصل است و دانش‌آموزان دوازده ساله آن هر کدام صاحب یک کامپیوتر شده‌اند. از این رهگذر آنها موفق شده‌اند در میان همپایان خود در آن منطقه به بهترین کارنامه تحصیلی دست یابند. (۴)

با این همه چگونگی گسترش اینترنت چه به لحاظ محتوا و عمل تابع لحاظ دسترس‌پذیری در سطح تابع قانونمندیهای اجتماعی و شکاف میان فقر و ثروت است. به دلایل تاریخی «شبکه جهان‌گستر» (WWW World Wide Web) کماکان تحت تسلط موسسه‌های عمومی، دانشگاه‌ها و سازمانهای غیردولتی قرار دارد. به دیگر سخن مشکلات مربوط به ایجاد سیستم‌های الکترونیکی پرداخت حق استفاده از این شبکه، تجاری شدن و گسترش آن را به تأخیر انداخته است. حال اگر این اشکال برطرف شود، باز هم این پرسش مطرح است که در آینده چه کسی در باره محتوای اطلاعات جاری در این شبکه تصمیم خواهد گرفت. بنیامین باربر، نویسنده کتاب «Jinad Vs. Meworld» پی‌ساخت درنگ‌آمیزی به این پرسش می‌دهد: «اینترنت به لحاظ تکنولوژیک

روی آوری زنان به اینترنت

بر پایه یک بررسی انجام شده، میانگین سن افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند ۳۳ سال است و ۳۱/۵ درصد از کاربران این شبکه جهانی اطلاعات خانمها هستند. بر اساس این بررسی ۱۱ هزار و ۷۰۰ تن از مشترکین «ورلد واید وب» به پرسشنامه‌ای که بر روی این شبکه ارسال شده بود، پاسخ داده‌اند که از این میان ۷۳/۴ درصد در آمریکا و ۱۰/۸ درصد در اروپا بوده‌اند.

این بررسی نشان داده است ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان روزانه با شبکه وب ارتباط دارند و ۲۶ درصد اظهار داشته‌اند که به جای تماشای تلویزیون به گشت و گذار بر روی وب می‌پردازند.

بیشتر استفاده‌کنندگان اینترنت از خانواده‌های مرفه با میانگین درآمد سالانه ۵۹ هزار دلار هستند و ۵۶/۵ درصد حداقل یک مدرک دانشگاهی دارند.

یکی از تفاوت‌های عمده کاربران وب در آمریکا و اروپا اختلاف سن آنان است. کاربران اروپایی با میانگین سن ۲۸ از کاربران آمریکایی با میانگین سن ۳۴ سال، جوانتر هستند. بررسی اخیر سومین بررسی از طریق وب می‌باشد.

در آخرین بررسی که در آوریل سال گذشته انجام شد نسبت تعداد خانمهای استفاده‌کننده از اینترنت فقط ۱۵/۵ درصد مجموع کاربران بود حال آنکه در بررسی اخیر این نسبت به ۲۱/۵ درصد افزایش یافته است. اما در عین حال در میان کاربران اروپایی در صد خانمها ۲۵/۲ درصد است. به نوشته هفته‌نامه انگلیسی ساندی تایمز تعداد کاربران متأهل با ۴۱/۱ درصد نسبت به کاربران مجرد با ۴۰/۸ درصد برتری اندکی دارد.

آیا حق هم می‌تواند پیروز شود؟ درد برای ۴ زن قهرمان

هفته گذشته در شهر لیورپول در انگلستان به شکایت بزرگ‌ترین شرکت سازنده هواپیمایی جنگی ۴ زن را به دادگاه بردند. آنها متهم بودند که وسایل و تجهیزات یک بمبافکن هاوک را تخریب کرده و حدود ۱/۵ میلیون پوند به آن صدمه زده‌اند.

جوانا ویلسون ۳۳ ساله؛ آندریا نیدهام ۲۹ ساله؛ لیتا کورن‌لید ۲۸ ساله و آنجی زلتر ۴۴ ساله، چهار مبارز راه صلح هستند که در شهرهای مختلف زندگی می‌کنند. آنها با هم قرار گذاشتند که به هر وسیله شده جلوی فروش بمبافکنهای هاوک به دولت اندونزی را بگیرند. آنها مخفیانه و با قطع سیمهای خاردار وارد محوطه کارخانه می‌شوند و با چکش، وسایل و تجهیزات یک بمبافکن هاوک آماده فروش را تخریب می‌کنند و از محوطه می‌گریزند.

آنها فوراً به خبرگزاری‌ها و مطبوعات تلخ می‌کنند که پرونده ببینند آنها چه کرده‌اند. آنها به علاوه قبل از عملیات یک نوار ویدئویی ۱۵ دقیقه‌ای تهیه کرده و در آن ضمن معرفی کامل خود، دلایل و انگیزه‌های خود برای حمله به هواپیما را توضیح می‌دهند. این نوار را نیز در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند.

در لیورپول که فضای چپ همچنان حاکم است، گروه‌های مبارز صلح و نیز محافل وابسته به کلیسا اقدامات وسیعی را در دفاع از این چهار زن سازمان دادند. محاکمه ۵ روز طول کشید. زنان شجاعانه از کار خود در دادگاه دفاع کرده و گفتند که آنها با این عمل از وقوع ظلمات بیشتر جلوگیری کرده‌اند. دولت انگلیس طبق یک قرارداد نظامی با اندونزی قرار بود این هواپیما را به آن دولت بفروشد و طبق یک فیلم مستند و تکان‌دهنده که یک خبرنگار به نام جان پیلجر، چند وقت پیش تهیه کرده بود؛ مسلم بود که این هواپیما توسط دولت سرکوبگر اندونزی برای کشتار مردم تیمور شرقی به کار برده خواهد شد.

تیمور شرقی مستعمره سابق پرتغال بود که پس از استقلال در سال ۱۹۷۵ مورد حمله نظامی اندونزی قرار گرفت و اشغال شد. از آن زمان تا امروز مردم این نیمه‌جزیره برای استقلال و اخراج اشغالگران مبارزه می‌کنند. سازمان ملل طی قطعنامه‌های متوالی اشغال تیمور شرقی توسط اندونزی را غیرقانونی شناخته، آنرا

مرگ ۱۲ زندانی سیاسی ترکیه در اثر اعتصاب غذا

شبه ۲۷ جولای ساعت دو و نیم شب، نمایندگان زندانیان اعتصابی، پاشار کمال نویسنده معروف، لیوانلی و درلی وکلای مدافع؛ بعد از ۱۰ ساعت مذاکره از پشت دیوارهای زندان بیرون آمدند و اطلاع دادند که: «خبر خوشی برایتان دارم، اعتصاب غذا به پایان رسید» بعد از آن اولین آمبولانس به داخل زندان رفت تا ۵ زندانی سیاسی زن و مرد را که در خطر مرگ بودند به بیمارستان برساند. با خروج اولین آمبولانس از زندان، پدران و مادران و همسران زندانیان که در پشت زندان بودند، در حالی که می‌گریستند به کف زندان پرداختند. تنها در این زندان ۶۰ زندانی دیگر بر اثر ۶۰ روز اعتصاب غذا، احتیاج به مراقبت ویژه داشتند. تا این لحظه ۱۱ تن در زندانهای مختلف جانشان را از دست داده بودند. این توافق برای یکی از زندانیانی که در ۱۰۰ کیلومتری آنکارا در زندان به سر می‌برد، خیلی دیر بود. او یکشنبه جانش را از دست داد.

بستگان زندانیان می‌پرسیدند که چرا دولت نباید زودتر دست به کار می‌شد. لیوانلی، یکی از اعضای هیئت مذاکره که خود به اتهام عضویت در گروه چپ «انقلابیون» قبلاً در زندان به سر می‌برد، می‌گوید: «آنها می‌خواستند زندانیان را بکشند، اصلاً کاری برای آنها در حین اعتصاب غذا انجام ندادند، فقط اعتراضات داخلی و خارجی باعث شد که آنها مجبور به سازش شوند». فقط یک روز قبل از مذاکره ۱۰ ساعته، کازان وزیر دادگستری «آخرین هشدار» را به زندانیان سیاسی داد تا اعتصاب غذایی خود را قطع کنند در غیر این صورت با حمله پلیس روبرو خواهند شد.

اعتراضات زندانیان سیاسی که عمدتاً به سازمانهای ممنوع شده چپ تعلق دارند، از ۱۵ ماه مه به دنبال انتقال تعدادی از آنها به زندان اسکیشهر شروع شد و در ادامه به اعتصاب غذای زندانیان منجر شد. زندانیان سیاسی خواستار بسته شدن زندان اسکیشهر که به دلیل سلولهای انفرادی آن به «قبر» معروف است، عدم بدررفاری با بستگان زندانیان، مراقبت‌های پزشکی و لغو شکنجه در زندانها شدند. به گفته وزیر بهداشت ترکیه، در

سانسور در ترکیه به روایت ارقام

۴۴ نویسنده ترک محکوم به انواع جرایم نقدی شده‌اند. بر پایه آمار جمعیت روزنامه‌نگاران ترکیه در شش ماه گذشته احکام ۱۴ تن از این افراد از سوی دادگاههای دولتی و نظامی و بقیه از سوی دادگاههای معمولی صادر شده است. در این مدت ۷۳ روزنامه‌نگار و نویسنده تحت نظر قرار گرفته‌اند و برخی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران بیش از یک بار از سوی مأموران امنیتی تحت نظر قرار گرفته‌اند. بر پایه این آمار در این مدت ۲۲ نویسنده و روزنامه‌نگار نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. در شش

۱۵۰ نفر در چین بر اثر سیل کشته شدند

طغیان رود یانگ‌تسه در جنوب و مرکز این کشور در طی سه هفته باعث کشته شدن ۱۵۰ نفر و بی‌خانمانی دو میلیون چینی شد. تنها در ایالت

هویابی بیش از ۸ میلیون سرباز و افراد داوطلب به مقابله با سیل و کمک به مردمی که محاصره شده بودند، پرداختند.

سرانجام اندونزی نیز

بعد از سی سال دیکتاتوری فردی اندونزی نیز علیه فساد و استبداد بپا می‌خیزد

در سی سال پیش وقتی استبداد دموکراسی را شکست داد، درآمد سرانه اندونزی حدود ۱۰۰ دلار بود. این درآمد اکنون به هزار دلار نزدیک شده است. رشد متوسط سالانه حدود ۶ درصد بوده است. در مقایسه با هند، که از دموکراسی بهره‌مند بوده است، اندونزی سه برابر بیشتر رشد داشته است. حجم سرمایه‌گذاری خارجی اندونزی رشدی عظیم داشته است. تنها در سال ۹۴ حدود ۲ میلیارد و در سال ۹۵ حدود ۴/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب اندونزی شده است. بیسوادی از حدود ۶۰ درصد به ۱۷ درصد تنزل یافته و عمر متوسط از ۴۱ به ۶۳ سال رسیده است. از سوی دیگر اندونزی در تمام این سالها چه به علت سرکوب خوین و خشن ناراضیان و چه به علت اشغال غیر قانونی تیمور شرقی و کشتار وسیع مردم آن - مورد اعتراض و انتقاد نیروهای دموکراتیک بوده است. فساد مالی و اداری در اندونزی بیداد می‌کند. گفته می‌شود حدود نیمی از سرمایه‌های مالی و صنعتی طی این سی سال در خاندان سوارهای ذخیره شده است. فرزندان و نوه‌های سوارهای تو رسماً و علناً بزرگترین سرمایه‌داران اندونزی هستند. آنها در موارد بارز و متعدد با گذراندن قانون از مجلس فرمایشی حق انحصار واردات کالاها می‌پرسود، حق انحصاری تأسیس کارخانه‌های تولیدی و حتی حق تحصیل انحصاری عوارض راه‌ها را برای خود تضمین کرده‌اند.

طرفداران سوارهای می‌گویند آنها در جامعه فقرزدایی کرده‌اند. اکنون کسانی که در اندونزی زیر خط فقر (طبق آمار سازمان ملل) زندگی می‌کنند طی ۲۰ سال گذشته از حدود ۶۰ میلیون نفر (۷۰٪ جمعیت) به حدود ۳۰ میلیون (۱۵٪ جمعیت) تنزل یافته است. نیروهای دموکراتیک می‌گویند عدالت زدانی از چهره جامعه و گسترش رعب و وحشت به مراتب وسیع‌تر بوده است.

تنازع سیاست‌ها

اکنون ۷ بار است که ارتش با حمایت مستقیم و مؤثر و مشترک آمریکا، جامعه اروپا و ژاپن مجدداً ژنرال سابق سوارهای را در یک انتخابات فرمایشی که از نظر افکار عمومی هم مضحک و هم توهنج‌آور است به پیروزی می‌رساند. او گفته است در سال ۱۹۸۸ کاندیدای ریاست جمهوری است. در آن وقت او ۷۸ سال خواهد داشت و قصد دارد تا ۸۳ سالگی همچنان در قدرت بماند. سوارهای مقابل فشار روزافزون نیروهای دموکراتیک تصمیم به «ایستادگی» گرفته است. نیروهای راست‌گرا هر نوع تغییر و یا اصلاح در اوضاع سیاسی را به معنای پایان دوران طلانی ثبات و پیشرفت و آغاز زجر و مصیبت برای ۲۰۰ میلیون مردم اندونزی که در ۱۳۶۶۷ جزیره در طول ۵۰۰ کیلومتر پراکنده‌اند، تلقی می‌کنند. آنها می‌گویند اندونزی هنوز آماده دموکراسی نیست. جامعه مدنی در این کشور بسیار ضعیف و فاقد قدرت کافی برای کنترل قدرت سیاسی است. آزادی به هرج و مرج و فساد بیشتر، به قطع روند رشد برق‌آسا و از همه بدتر به حدت‌یابی تضادهای قومی، ملی، مذهبی و طبقاتی می‌انجامد. آنها به سقوط نرخ سهام در بازار بورس بقیه در صفحه؟

جاکارتا پایتخت اندونزی روز اول اوت شاهد قیام هزاران جوان تظاهر کننده بود. نیروهای ضد شورش ارتش مداخله کردند. سرکوب خوین تظاهرکنندگان به مرگ حداقل سه نفر و زخمی شدن بیش از ۹۰ نفر و دستگیری حدود ۲۵۰ نفر انجامید. تظاهرات در حمایت از خانم مگاواتی سوارهای پوت‌ری، دختر اولین رئیس جمهور، بنیانگذار و پیشوای استقلال و دموکراسی اندونزی پرزیدنت فقید احمد سوارهای برگزار شد.

خانم مگاواتی به دادگاه شکایت برده بود که در اولین کنگره حزب دموکراتیک اندونزی که خود وی رهبر آن است، به دنبال یک دسیسه توسط عوامل حکومت وی از رهبری حزب برکنار شده و گروهی از دست‌نشانندگان استبداد به رهبری حزب برگزیده شده‌اند.

در اندونزی فعالیت احزاب سیاسی - بجز سه حزب - ممنوع است. این سه حزب عبارتند از «حزب دولتی» طرفدار سوارهای، رئیس جمهور فعلی، دو حزب کوچک به نامهای «حزب دموکراتیک اندونزی» به رهبری خانم مگاواتی سوارهای پوت‌ری که مورد توجه روشنفکران و ائتلاف متوسط است و «حزب توسعه متحد» که متشکل از مجموعه‌ای از گروه‌های اسلامی است.

در اندونزی ارتش طبق قانون اساسی عهده‌دار نقش کلیدی در سیاست کشور است. ارتش به رهبری ژنرال سوارهای، رئیس جمهور فعلی با حمایت فعال آمریکا در کودتای سال ۱۹۶۵ رئیس جمهور قانونی کشور پرزیدنت احمد سوارهای را سرنگون و خود قدرت را بدست گرفت. اما کودتا بعد از پیروزی نه همفکران سوارهای که حزب کمونیست را به خون کشید. مطابق آمار رسمی بیش از ۵۰۰ هزار کمونیست بعد از کودتا قتل عام شدند. حزب کمونیست اندونزی با بیش از ۳ میلیون عضو بزرگترین حزب کمونیست غیر حاکم در جهان بود. اکنون نیروی متشکل چپ در اندونزی بسیار ضعیف است. یک سازمان مخفی متشکل از جوانانی که اکثراً بعد از کودتا متولد شده‌اند، بنام «حزب دموکراتیک خلق» به رهبری بودیان می‌شده است. ۳۷ ساله با حدود ۱۰۰۰ عضو بسیار فعال است. ارتش گفته است این حزب مسئول قیام اول اوت بوده و هشدار داده است که در صورت تداوم این وضع دست به کودتای مجدد خواهد زد. اعضای حزب دموکراتیک خلق اکثراً فرزندان و بستگان اعضای قتل عام شده حزب کمونیست اندونزی هستند، بر حمایت از مسائف کارگران، دهقانان و دانشجویان تاکید دارند.

حاصل سلطه ۳۰ ساله

حدت‌یابی اوضاع سیاسی در اندونزی اکنون توجه همه محافل سیاسی را به خود جلب کرده است. بحث داغ طرفداران و مخالفان راه سی‌ساله اندونزی در همه جای دنیا در مطبوعات و رسانه‌ها و محافل آکادمیک روبروی هم ایستاده‌اند. مسأله مورد بحث همان مسأله قدیمی است که کشور ما ایران نیز در دوران شاه و حتی امروز با آن مواجه است: برای یک کشور در حال رشد کدام خواسته در اولویت است؟ ثبات و توسعه؟ و یا دموکراسی سیاسی و توسعه؟